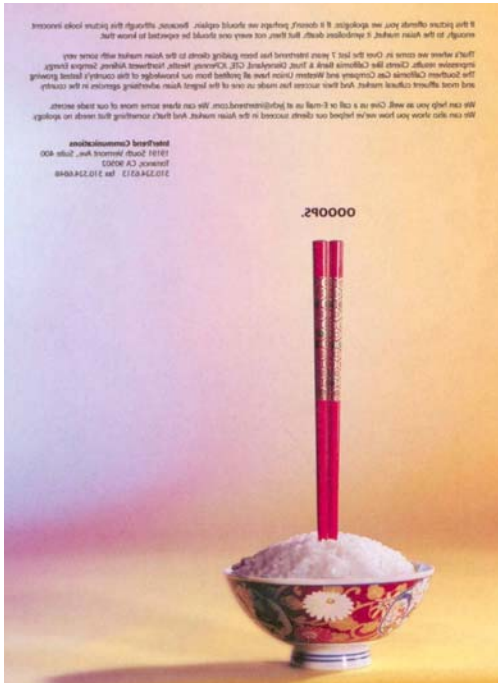


# تعامل اجتماعی و ساختار اجتماعی



در تعاملات اجتماعی ما با دیگر فرهنگ ها، دانستن اینکه چه قواعد اجتماعی انجام می‌شوند، اهمیت دارد. به عنوان مثال، در ژاپن، اینکه چوب های غذاخوری خود را به طور چسبیده به هم در ظرف برنج رها کنید، عملی بی ادبانه است و به نوعی برای ژاپنی ها نماد مرگ به شمار می‌رود و اهانتی به اجداد از دنیا رفته آنان به شمار می‌رود. این پوستر توسط یک شرکت تبلیغاتی طراحی شده که به مشتریان خود در ایالات متحده وعده آن را می‌دهد که از خطا در بازارهای آسیایی آنان را حفظ می‌کند.

رویکرد تکامل اجتماعی- فرهنگی لنسکی

سیاستگذاری اجتماعی و سافتار

اجتماعی: بمران ایدز

طرح مساله

وضع موجود

بینش های جامعه شنافتی

سیاستگذاری های ابداعی

پنجره ها

جامعه شناسی در اجتماع جهانی: معلولیت

به عنوان یک پایگاه اصلی

تعامل اجتماعی و واقعیت

تعریف و بازسازی واقعیت

نظم مذاکره ای

عناصر سافتار اجتماعی

پایگاه ها

نقش های اجتماعی

گروه ها

شبکه های اجتماعی و تکنولوژی

نهادهای اجتماعی

سافتار اجتماعی در چشم انداز جهانی

گماین شافت و گزل شافت تونیس





سکوت یک صبح یکشنبه تابستانی در پائولوآلتر کالیفرنیا با صدای آژیر ماشین پلیسی که در شهر حرکت می‌کرد، شکسته شد و پلیس در یک توقیف دست جمعی عجیب، تعدادی از دانشجویان را بازداشت کرد. هر کسی با خود فکر می‌کرد که چه جرمی را ممکن است مرتکب شده باشد و نگران از نقض حقوق قانونی خود، در حالیکه شدیداً از پلیس‌ها احساس تنفر داشتند، مورد بازرسی قرار گرفتند، به آنها دستبند زده شد و در نهایت، آنها را سوار ماشین حمل زندانیان برای بازداشت به سوی پاسگاه بردند.

پس از انگشت نگاری و تکمیل فرم‌های هویتی، هر زندانی ابتدا به سلول انفرادی فرستاده شد تا با خود فکر کند چه کاری انجام داده که خود را به چنین گرفتاری انداخته است. پس از مدتی چشمان زندانیان را بستند و به زندان ایالت استنفورد انتقال دادند. در این جا فرآیند تلقین زندانی شدن شروع شد- لباس‌های شخصی زندانیان گرفته شد، بازرسی بدنی شدند، اشیاء نامربوط آنان گرفته شد و به هر کدام از آنها، یک یونیفرم، وسایل خواب، صابون و حوله داده شد. در اواخر بعد از ظهر - ساعت ۹- که این بازداشت‌ها تمام شد، این «مجرمان تازه وارد» جوان به بر روی تختخواب سلول‌های زندان، به سکوتی مبهوت وار فرو رفتند.

این افراد بخشی از نوع بسیار غیر معمولی از زندان بودند، زندانی آزمایشی یا ساختمانی که توسط روانشناسان اجتماعی به منظور مطالعه متمرکز اثرات زندانی شدن بر روی افراد داوطلب تحقیق ایجاد شده بود. هنگامی که ما شبیه‌سازی دو هفته‌ای زندگی در زندان را طراحی نمودیم، ابتدا متوجه درک فرآیندی بودیم که بدان افراد خود را با محیط جدید و بیگانه وفق می‌دهند که در آن‌هایی که زندانی نامیده می‌شوند آزادی، حقوق مدنی، استقلال و حریم خصوصی خود را از دست می‌دهند، در حالی که آن‌هایی که، زندانبان خوانده می‌شوند با پذیرش مسئولیت کنترل و اداره زندگی افراد تحت سرپرستی‌شان، قدرت اجتماعی به دست می‌آورند.

نمونه‌هایی، از شرکت‌کنندگان (۱۰ زندانی و ۱۱ زندانبان) از میان بیش از ۷۵ داوطلبی که از طریق آگهی در محیط دانشگاه و روزنامه‌های دانشگاه استخدام شده بودند، انتخاب شد... نیمی از آنان به طور تصادفی برای بازی نقش زندانبان گماشته شدند و دیگران به عنوان زندانی انتخاب شدند. با این حال در ابتدای آزمایش تمایز قابل‌سنجشی میان زندانبانان و زندانیان نبود. تنها پس از ۶ روز ما مجبور شدیم زندان ساختگی خود را تعطیل کنیم، به خاطر آنکه آنچه می‌دیدیم، وحشتناک بود. دیگر برای اکثر افراد مورد مطالعه مشخص نبود که کجا واقعیت تمام می‌شود و از کجا این نقش‌های ساختگی شروع می‌شود. اکثریت، واقعاً زندانی یا زندانبان شده بودند و دیگر نمی‌شد میان بازی نقش و خود تفکیک قائل شد. تغییرات شدیدی تقریباً در تمامی جنبه‌های رفتار، تفکر، اندیشیدن و احساسات آنان ایجاد شده بود. در کمتر از یک هفته آزمایش تجربه زندانی شدن (موقت) یک دوره زندگی آموختن متوقف شد؛ ارزش‌های انسانی معلق شد، خود پندارها به چالش کشیده شد و زشت‌ترین و نامطبوع‌ترین وجه آسیب‌شناختی سرشت انسانی ظاهر شد، ما وحشت کرده بودیم، بخاطر آنکه می‌دیدیم چند پسر (در نقش زندانبان) با دیگران به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی آنها حیوانات پستی هستند و از ابراز خشونت خود لذت می‌برند، در حالی که دیگر پسران (زندانبان)، تبدیل به انسان‌هایی پست و چاپلوس و ربوت‌هایی غیر انسانی شده بودند که صرفاً به رهایی و بقای شخصی خود و کینه شدید نسبت به زندانبانان می‌اندیشیدند. ■

در این توصیف از تحقیقی که توسط روان شناس اجتماعی - فیلیپ زیمباردو- انجام شده است، دانشجویان دانشگاه، هنگامیکه در یک زندان ساختگی قرار گرفتند، الگوهای قابل پیش‌بینی تعامل اجتماعی را که از نگهبانان و زندانیان انتظار می‌رود، اخذ نمودند. جامعه شناسان به شیوه هایی که در آن مردم به یکدیگر پاسخ می‌دهند - حال چه رو در رو باشد یا از طریق تلفن یا کامپیوتر- تعامل اجتماعی می‌گویند. در زندان ساختگی، تعاملات اجتماعی میان نگهبانان و زندانیان خیلی غیر شخصی بود. نگهبانان زندانیان را با رقم و نه به نام صدا می‌زدند و عینکهای آفتابی آینه ای به چشم می‌زدند تا تماس چشمی با آنها را ناممکن سازند.

همانند بسیاری زندان های واقعی، زندان شبیه سازی شده در دانشگاه استنفورد ساختاری اجتماعی داشت که در آن نگهبانان تقریباً کنترل کاملی بر زندانیان داشتند. منظور از ساختار اجتماعی، روش هایی است که در آن یک جامعه به روابط قابل پیش بینی سازمان دهی می‌شود. ساختار اجتماعی زندان ساختگی زیمباردو، تعامل های میان نگهبانان و زندانیان را تحت تاثیر قرار داد. زیمباردو خاطر نشان می‌کند که این یک زندان واقعی در ذهن زندانبانان و زندانیان بود. آزمایش زندان ساختگی او که اولین بار بیش از ۲۵ سال پیش اجرا شد، بعدها (با یافته های مشابه) هم در ایالات متحده هم در دیگر کشورها تکرار شده است.

مفاهیم تعامل اجتماعی و ساختار اجتماعی که بسیار با یکدیگر نزدیک‌اند، برای تحقیق جامعه‌شناختی محوریت دارند. جامعه شناسان برای درک و توصیف صحیح تعامل های اجتماعی و ساختار اجتماعی که در یک اجتماع یا جامعه واقعیت می‌یابد، دست به مطالعه دقیق الگوهای رفتاری می‌زنند.

این فصل با این مساله آغاز می‌شود که چگونه تعامل اجتماعی شیوه ای را که ما به وسیله آن جهان پیرامون خود را می‌نگریم، شکل‌دهی می‌کند. سپس ما بر پنج عنصر اساسی ساختار اجتماعی توجه می‌کنیم: پایگاه ها، نقش های اجتماعی، گروهها، شبکه‌های اجتماعی و نهادهای اجتماعی. گروهها از این جهت مهم‌اند که بسیاری از تعاملات اجتماعی در آنها واقع می‌شوند. نهادهای اجتماعی نظیر خانواده، مذهب و دولت، جنبه‌ای اساسی از ساختار اجتماعی‌اند. ما رویکردهای کارکرد گرا، تضاد و تعامل گرا را در مطالعه نهادهای اجتماعی مقایسه خواهیم نمود. همچنین سنخ شناسی هایی را که توسط فردنیاند تونیس و گرهارد لسنکی برای مقایسه جوامع مدرن با اشکال ساده تر ساختار اجتماعی ایجاد شده است، بررسی خواهیم نمود. بخش سیاست گذاری اجتماعی به بحران ایدز و الزامات آن برای فعالیت های اجتماعی سراسر جهان خواهد پرداخت.

## تعامل اجتماعی و واقعیت

طبق نظر جامعه شناس هربرت بلومر، مشخصه متمایز تعامل اجتماعی میان مردم این است که انسان ها به جای این که به رفتارهای یکدیگر صرفاً واکنش نشان دهند، اعمال هم را تفسیر یا تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر، پاسخ های ما به رفتار یک شخص مبتنی بر معنایی است که ما به اعمال او نسبت می‌دهیم. واقعیت با اداراکات، ارزیابی و تعریف های ما شکل می‌گیرد.



در چالش با کلیشه های ذهنی نژادپرستانه نسبت به آفریقایی-آمریکایی ها، محمد علی کلی، قهرمان بوکس به بهبود واقعیت اجتماعی آنان کمک کرد. امروزه، او با برخورد شجاعانه اش در برابر بیماری مهلکی که دچارش شده، در حال بازسازی واقعیت اجتماعی افراد معلول است. علی در افتتاحیه المپیک ۱۹۹۶ در آتلانتا، با روشن کردن مشعل بازیها مورد تجلیل قرار گرفت.

این معانی نوعا باز تابنده هنجارها و ارزش های فرهنگ غالب و تجارب جامعه پذیری ما در آن فرهنگ می باشد. همان طور که تعامل گرایان تاکید می کنند، معانی بی که ما به رفتار مردم نسبت می دهیم، به وسیله تعاملات ما با آنها و جامعه بزرگتر شکل می گیرد. نتیجتا، واقعیت اجتماعی از تعاملات اجتماعی ما ساخته می شود.

## تعریف و بازسازی واقعیت

چگونه ما واقعیت اجتماعی را

تعریف میکنیم؟ برای مثال، چیزی

به سادگی این را در نظر بگیرید که ما چگونه به خالکوبی ها می نگریم. به طور قطع، به نزدیکی چند سال پیش، اکثر افراد در ایالات متحده خالکوبی را کاری عجیب و نامتعارف می دانستند و آن را مرتبط با گروه های ضد فرهنگ حاشیه ای، نظیر پانک ها، باندها موتور سوار و کله پوستی ها می دانستند. خالکوبی در میان بسیاری از مردم، واکنش منفی ناخودآگاهی ایجاد می کرد. هرچند امروز افراد بسیار زیادی از جمله مدسازان جامعه، خالکوبی نموده اند و مراسم خالکوبی مشروعیت زیادی یافته است، اما فرهنگ اصلی خالکوبی را به گونه متفاوتی می بیند.

توانایی تعریف واقعیت اجتماعی، نمایانگر قدرت گروه در جامعه است در واقع یکی از مهم ترین جنبه های رابطه میان گروه های غالب و زیر دست، توانایی گروه غالب یا عمده در تعریف ارزش های جامعه است. جامعه شناس ویلیام ای. توماس - که از منتقدان اولیه نظریات تفاوت های نژادی و جنسی بود- دریافت که «تعریف موقعیت» می تواند اندیشه و شخصیت فرد را شکل دهد. در نوشته ای از چشم انداز تعامل گرا، توماس مشاهده کرد که مردم نه تنها به وجوه عینی یک شخص یا موقعیت، بلکه همچنین به معانی که یک شخص یا موقعیت برای آنها دارد، پاسخ می دهند. مثلا در زندان آزمایشی فیلیپ زیمباردو، دانشجویان «نگهبان» و «زندانی»، تعریف موقعیت (شامل نقش های سنتی مرتبط با نگهبان یا زندان بودن) را پذیرفته بودند و برطبق آن عمل می نمودند.

همان طور که در ۴۰ سال اخیر شاهد آن بوده ایم- اولین بار در جنبش های حقوق مدنی دهه ۱۹۶۰ و از آن زمان تا کنون در میان گروه هایی نظیر زنان سالخورده، همجنس بازان و افراد دارای معلولیت- جنبه ای مهم از فرآیند تغییر اجتماعی، شامل بازتعریف یا بازسازی واقعیت اجتماعی بوده است. اعضای گروه های زیر دست تعاریف سنتی را به چالش می کشند و شروع به درک و تجربه واقعیت به شیوه ای جدید می کنند. مثلا قهرمان جهانی بوکس، محمدعلی کار خود را با ایجاد یک سندیکای مردان سفید پوست شروع کرد که هنگامی که به کسبوس کلی

معروف بود، به حمایت مالی هم‌تایان قدیمی خود می‌پرداخت. با این حال، به زودی این مشت‌زن جوان علیه آنهاپی که می‌خواستند او را یا نژاد او را پایین نگاه دارند، شورید. او کلیشه‌های ذهنی قدیمی خود-ناچیزانگاری ورزشکاران سیاه را شکست و بر نگرش‌های سیاسی خود (از جمله امتناع از خدمت در جنگ ویتنام)، مذهب (مسلمان سیاه پوست)، و نام خود (محمد علی) تاکید کرد. علی نه تنها جهان ورزش را تغییر داد، بلکه دستی نیز در تغییر جهان روابط نژادی داشت.

از دیدگاه جامعه‌شناختی علی با نگاهی بسیار انتقادی به تفکر و واژه‌پردازی نژاد‌گرا - که او و دیگر آمریکایی - آفریقایی‌ها را محدود می‌کرد- واقعیت اجتماعی را باز تعریف نمود.

### نظم مذاکره‌ای

همان‌طور که دیدیم مردم می‌توانند واقعیت اجتماعی را از طریق یک فرآیند تغییر درونی و با نگاهی متفاوت به رفتار هر روزه، بازسازی نمایند. با این حال مردم همچنین با تغییرات مذاکره‌ای در الگوهای تعامل اجتماعی، واقعیت را مجدداً شکل دهی می‌کنند. اصطلاح **مذاکره** به کوشش برای دستیابی به توافق با دیگران، با در نظر گرفتن برخی عینیت‌ها اشاره می‌کند. مذاکره اجبار و زور را در بر ندارد و به اسامی مختلفی مثل چانه زدن، مصالحه، بده بستان، وساطت، مبادله، دست‌گردان و داد و ستد و تباری نامیده می‌شود. جامعه از طریق مذاکره به عنوان شکلی از تعامل اجتماعی، ساختار اجتماعی خود را ایجاد می‌نماید.

مذاکره به شیوه‌های بسیاری رخ می‌دهد. همان‌گونه که تعامل‌گرایان متذکر شده‌اند برخی موقعیت‌های اجتماعی، نظیر خرید از فروشگاه، شامل هیچ میانجی‌گری نیست؛ در حالی که دیگر موقعیت‌ها نیاز به میزان قابل توجهی مذاکره دارد. مثلاً ما ممکن است با دیگران - در مورد زمان (کی باید برسیم؟)، فضا (اجازه داریم مجلسی در خانه شما داشته باشیم؟)، یا حتی واگذاری مکان‌ها در هنگام انتظار برای بلیط‌های کنسرت - مذاکره کنیم. در جوامع سنتی، ازدواج اغلب با مذاکرات میان خانواده‌های پسر و دختر همراه است. انسان‌شناس رای ابرالز تشریح نموده است که چگونه مردم لبور در آفریقا وسایلی را می‌چینند تا از خانواده داماد به خانواده عروس ببرند.

در حالیکه چنین معاملات خانوادگی به خانواده در فرهنگ‌های سنتی متداول است، مذاکره می‌تواند اشکال بسیار پیچیده‌تری در جوامع صنعتی مدرن داشته باشد. از یک چشم‌انداز جامعه‌شناختی، قوانین مالیاتی، هنجارهای رسمی‌اند (که در دستورالعمل‌های دولتی، ایالتی و سیاسی انعکاس یافته‌اند). کلیت دستورالعمل مالیاتی از طریق مذاکره، در برگیرنده منافع رقابتی بسیاری، از جمله تجارت‌های بزرگ، حرکت‌های خارجی و کمیته‌های فعال سیاسی مورد بازنگری قرار می‌گیرد: (فصل ۱۳ را ببیند).

در یک سطح فردی، مالیات‌دهندگان با عاملان سرویس در آمد داخلی به میانجی‌گری خواهند پرداخت. تغییرات در موقعیت‌های فردی مالیات‌دهندگان از طریق چنین مذاکراتی صورت می‌گیرد. ساختار مالیاتی ایالات متحده را به سختی می‌توان امری ثابت در نظر گرفت، بلکه این ساختار بازتابی از مجموع مذاکرات مداوم جهت تغییر است.

مذاکرات زمینه بسیاری از رفتارهای اجتماعی ما را تشکیل می‌دهد. بخاطر آن که اکثر عناصر ساختار اجتماعی ایستا نیستند، بلکه از طریق چانه زنی و مبادله در معرض تغییرند. جامعه‌شناسان برای تاکید بر این واقعیت که نظم اجتماعی به طور مداوم از طریق مذاکره ساخته می‌شود و تغییر می‌کند، اصطلاح نظم مذاکره‌ای را بکار می‌برند. منظور از نظم مذاکره‌ای آن است که ساختار اجتماعی از تعامل‌های اجتماعی ساخته می‌شود، به طوریکه از طریق آن مردم ویژگی ساختار را تعریف و بازتعریف می‌کنند. ما می‌توانیم مذاکره را به فهرست عمومیات فرهنگی خود بیفزاییم، چون تمام جوامع مسیرهای راهنما یا هنجارهایی را ایجاد می‌کنند که در آنها مذاکرات رخ می‌دهند. هنگامی که به بررسی پایگاه‌ها، نقش‌های اجتماعی گروه‌ها، شبکه‌ها و نهادها می‌پردازیم نقش تکرارشونده مذاکره در تعامل اجتماعی و ساختار اجتماعی آشکارتر خواهد شد.

### عناصر ساختار اجتماعی

ما می‌توانیم روابط اجتماعی قابل پیش بینی را بر حسب پنج عنصر بررسی کنیم: پایگاه‌ها، نقش‌های اجتماعی، گروه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و نهادهای اجتماعی. همان‌طور که بنا، دیوارها و سقف‌ها ساختار یک ساختمان را می‌سازد، این عناصر هم ساختار اجتماعی را شکل می‌دهند. عناصر ساختار اجتماعی از طریق فرایند دائمی جامعه‌پذیری - که در فصل ۴ تشریح شد - ایجاد می‌گردند.

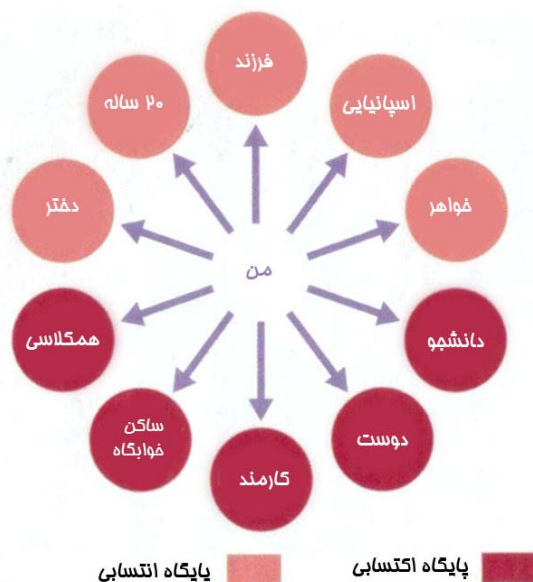
### پایگاه‌ها

ما معمولاً وقتی در مورد پایگاه یک شخص فکر می‌کنیم، آن را به معنی توانایی تاثیرگذاری و داشتن ثروت و شهرت می‌دانیم. اما جامعه‌شناسان وقتی صحبت از پایگاه می‌کنند، منظورشان هر موقعیتی در طیف موقعیت‌های تعریف شده اجتماعی درون یک گروه بزرگ و یا جامعه - از پایین‌ترین تا بالاترین موقعیت - می‌باشد. در جامعه، یک شخص می‌تواند پایگاه رییس جمهور، میوه فروش، فرزند، ویولون‌زن، پسر، دختر، نوجوان، شهروند، تکنیسین دندان سازی و همسایه را داشته باشد. بنابراین مشخص است که هر فردی می‌تواند به طور هم‌زمان بیش از یک پایگاه را دارا باشد.

### پایگاه انتسابی و اکتسابی

جامعه‌شناسان برخی پایگاه‌ها را انتسابی و دیگر پایگاه‌ها را در رده اکتسابی طبقه‌بندی می‌کنند (شکل ۵-۱) را ببیند). پایگاه انتسابی بدون توجه به استعدادات یا ویژگی‌های منحصر به فرد یک شخص، توسط جامعه به او واگذار می‌شود. این انتساب عمدتاً در هنگام تولد رخ می‌دهد، از این رو زمینه نژادی جنسیت و سن همگی به عنوان پایگاه‌های انتسابی در نظر گرفته می‌شوند. این ویژگی‌ها منشاء زیستی دارند، اما عمدتاً به خاطر معانی اجتماعی که در فرهنگ ما دارند، اهمیت می‌یابند. نظریه پردازان تضاد به پایگاه‌های انتسابی توجه ویژه نشان می‌دهند، چون این پایگاه‌ها اغلب امتیازاتی را اعطا می‌کنند و یا بازتابنده عضویت یک شخص در گروهی زیر دست هستند. مبانی اجتماعی نژاد و قومیت، جنسیت و سن به تفصیل بیشتر در فصول ۹ و ۱۰ مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

شکل ۵-۱. پایگاه های اجتماعی



فرد نشان داده شده در این تصویر - من - موقعیت های فراوانی را در جامعه اشغال کرده است. هر یک از آنها شامل پایگاه های متفاوتی است. شما پایگاه های خود را چگونه تعریف می کنید؟

جامعه شناس گری هانگ دیدگاه کهنی را نشان می دهد که در آن احترام به فرد سالخورده یک هنجار فرهنگی مهم در چین است. در بسیاری از موارد، پیشوند «پیر» با احترام استعمال می شود. فردی را «پیر معلم» یا «پیرمرد» نامیدن نظیر این است که به یک قاضی در ایالات متحده گفته شود شما محترمید. هانگ نشان می دهد که تمایزات زبانی مثبت در رابطه با ارشدیت سنی در ایالات متحده وجود ندارد؛ در نتیجه، اصطلاح پیرمرد را بیشتر یک توهین می دانیم، تا تجلیل ارشدیت و خردمندی.

بر خلاف پایگاه های انتسابی، ما پایگاه اکتسابی را عمدتاً از طریق کوشش خودمان کسب می کنیم. رئیس بانک و نگهبان زندان پایگاه های اکتسابی اند، همان طور که «وکیل دادگستری»، «نوازنده پیانو»، «مجرى تبلیغات» و «مددکار اجتماعی» چنین اند. شما برای کسب یک پایگاه اکتسابی بایستی کارهایی را انجام دهید - به مدرسه بروید، مهارتی را بیاموزید، رابطه دوستی برقرار کنید، یا محصول جدیدی را ابداع کنید. همانطور که در فصل بعد خواهیم دید، پایگاه اکتسابی به شدت متأثر از پایگاه انتسابی ماست. مثلاً مرد بودن، احتمال پرستار بچه شدن یک فرد را کاهش می دهد.

### پایگاه اصلی

هر شخصی پایگاه های متفاوت بسیاری دارد؛ برخی ممکن است به موقعیت های اجتماعی بالاتری اشاره داشته باشد و برخی به موقعیت های پایین تر. در پرتو این پایگاه های متفاوت، موقعیت اجتماعی کلی فرد چگونه توسط دیگران مشاهده می شود؟ طبق نظر جامعه شناس اورت هاووز، جوامع با این ناهماهنگی ها این گونه کنار می آید که

در اکثر موارد افراد در یک پایگاه انتسابی تغییرات اندکی می توانند ایجاد کنند، اما ما می توانیم تلاش کنیم قیود سنتی مرتبط با این پایگاه ها را تغییر دهیم، مثلاً پلنگ های خاکستری - گروه فعال سیاسی که در سال ۱۹۷۱ برای فعالیت در راستای حقوق افراد سالخورده ایجاد شد - تلاش کرد تا کلیشه های ذهنی منفی و محدود کننده جامعه را در مورد سالخوردهگان اصلاح نماید (بخش ۱۰ را ببیند). در نتیجه کارهای آنان و حمایت دیگر گروه ها از شهروندان مسن تر، پایگاه انتسابی شهروند ارشد دیگر برای میلیون ها فرد سالخورده دشوار نیست.

یک پایگاه انتسابی لزوماً معنای یکسانی در همه جوامع ندارد در یک مطالعه بین فرهنگی،





## تضاد نقش

موقعیت حساس زنی را در نظر بگیرید که ده سال است که در خط مونتاژ یک کارخانه الکتریکی کار می‌کند و اخیراً به عنوان سرپرست آن بخش، منصوب شده است از این زن انتظار می‌رود که با دوستان و همکاران قدیمی خود چگونه رفتار کند؟ همان طور که سالها تقریباً هر روز این کار را می‌کرده آیا او هنوز باید با آنها برای صرف نهار بیرون برود؟ آیا او وظیفه دارد سفارش برکناری دوست قدیمی خود را که نمی‌تواند تقاضای خط تولید را بر آورده کند، به رئیس خود ارسال کند؟

هنگامیکه از دو یا چند موقعیت اجتماعی یک فرد، انتظارات ناسازگار با هم به وجود می‌آید، تضاد نقش رخ می‌دهد. اجرای تمام و کمال نقش‌های مرتبط با یک پایگاه ممکن است به تخطی از نقش‌های مربوط به پایگاه دیگر بینجامد. در مثال فوق سرپرست جدید، تضاد جدی را میان نقش‌های حرفه‌ای و اجتماعی خود تجربه خواهد کرد.

تضاد نقش مستلزم انتخاب‌های اخلاقی مهمی است. در مثال حاضر سرپرست جدید مجبور است در مورد این که چقدر باید به آن دوستی که کارش را به نحو مطلوب انجام نمی‌دهد، وفادار باشد. تصمیمات دشواری اتخاذ کند. فرهنگ ما به ما می‌گوید که موفقیت از رابطه دوستی مهم تر است. اگر دوستان ما را عقب نگاه می‌دارند، باید آنها را ترک کنیم و بر آرزوهای خود تاکید کنیم با این حال به ما گفته می‌شود که ترک دوستان عمل ناشایستی است.

این سرپرست باید تصمیم بگیرد که آیا پیشرفت خود را به خاطر دوستانش، به خطر خواهد انداخت یا خیر؟

نوع دیگری از تضاد نقش وقتی رخ می‌دهد که افراد وارد مشاغلی می‌شوند که در نظر مردم با پایگاهی انتسابی شان معمول نیست. معلمان مرد پیش دبستانی و افسران پلیس زن چنین تضاد نقشی را تجربه می‌نمایند. در مورد اخیر افسران زن باید نقش‌های محیط کارشان در رابطه با اعمال زور قانونی را با نگاه جامعه به زن که شامل بسیاری مهارت‌های مورد نیاز در کار پلیس نیست، وفق دهند.



تصور کنید که شما یک روزنامه نگار هستید و در حین راه رفتن در این کوچه شاهد این کتک زدن هستید. شما چه می‌کنید؟ تلاش می‌کنید تا این جرم را متوقف کنید؟ یا اینکه برای روزنامه خود از آن عکسی تهیه می‌کنید؟ این همان تضاد نقش است که سارا لین، یک عکاس حرفه‌ای هنگامی که ایستاد تا لنز خود را عوض کند و تصویری از این صحنه بگیرد، آن را تجربه کرد. در این لحظه، لین نسبت به امنیت خود احساس خطر می‌کرد. افراد با مشاغل خاص - از جمله روزنامه نگاری - عموماً در موقعیت‌های مصیبت‌ها، جنایات، و دیگر موقعیت‌های استرس‌زا تضاد نقش را تجربه می‌کنند.

## فشار نقش



جنگلبانان پارک ملی که برای کمک به گردشگران و حفاظت از محیط طبیعی منطقه خود استخدام شده اند، در مواقع رفت و آمد شهر، جرایم، و گردش های تفریحی به سوی مرزهای پارک سرازیر می شود، فشار نقش را تجربه می کنند. در سال ۱۹۹۹ جنگلبانان پارک ملی یوسمیت چتربازی را که در یک اقدام تبلیغاتی علیه قوانین پارک از کوه پایین پریده بود، دستگیر کردند؛ چراکه این چنین کارهایی در پارک ممنوع است.

تضاد نقش موقعیت فردی را توصیف می کند که به چالش میان موقعیت های اجتماعی همزمان می پردازد. اما حتی یک وضعیت ساده هم می تواند موجب بروز مشکلاتی شود. جامعه شناسان اصطلاح فشار نقش را برای توصیف دشواریهای برخاسته از تقاضاهای گوناگون و انتظارات مرتبط با یک وضعیت است، کار می برند. در مثال اول فصل، روانشناس اجتماعی فیلیپ زیمباردو به طور غیر منتظره ای فشار نقش را آزمود. او ابتدا خود را صرفاً به عنوان یک استاد دانشگاه می دید که در حال آزمایشی خیالی است و در آن دانشجویان نقش های زندانبان یا

زندانی را بازی می کنند. با این حال به زودی دریافت که به عنوان یک استاد همچنین از او انتظار می رود که مراقب سلامت دانشجویان خود باشد، یا حداقل آنان را در معرض خطر قرار ندهد. در نهایت او فشار نقش را با تصمیم خاتمه دادن به آزمایش حل نمود.

کارمندان خدمات پارک ملی نیز فشار نقش را تجربه می کنند. برای نسل ها، نقش اصلی آنان این بوده که به تماشاگران کمک کنند تا از زیباییهای پارک لذت ببرند. با این حال به طور روز افزونی مشکلات اجتماعی جامعه - از تراکم رفت و آمد گرفته تا جرم و جنایت- در عین این که افراد بیشتر و بیشتری می کوشند تا از کارهای روزانه معمول جهان بگریزند، وارد پارک شده است. کارمندان امروزه خود را در میان دو امر معلق می بینند: تشویق توریست ها به فعالیت های اکتشافی و کاهش فعالیت هایی که ممکن است به مزاحمت با لذات دیگران بیانجامد و از این بدتر، به پارک صدمه بزند. کارکنان پارک در بخش هایی از آفریقا با تنش نقش مشابهی مواجهند. عکاسان سیاح در آمدهای هنگفتی به کشورهایی چون کنیا می آورند، اما این مناطق ملی حفاظت شده حیات وحش، همچنین هدفی برای افرادی است که به تجارت غیر قانونی پوست یا عاج حیوانات می پردازند. کارکنان پارک مجبورند در آن واحد تقاضاهای بسیار متفاوتی برآورده سازند. ماموران خوش آمد گویی به تماشاگران باشند و مجری دولتی قوانین شکار حیوانات.

## خروج از نقش

اغلب وقتی به ایفای یک نقش اجتماعی می‌اندیشیم، آمادگی و جامعه‌پذیری اولیه‌ای متمرکز می‌شویم که یک فرد به خاطر آن نقش متحمل می‌شود. اما تا این اواخر دانشمندان علوم اجتماعی به سازگاریهایی که ترک یک نقش اجتماعی در بردارد توجه کمی نشان داده بودند.

جامعه‌شناس هلن رز اباف برای توصیف فرآیند رهایی از یک نقش - که در خودشناسی و بازسازی هویت نقش جدید محوری است، اصطلاح خروج از نقش را وضع کرد. ابا مصاحبه‌هایی با ۱۸۵ فرد انجام داد که در میانشان افراد با سابقه مجرمیت، مردان و زنان متارکه کرده، معتادان به الکل و در حال ترک، افرادی که قبلاً راهبه یا دکتر، بازنشستگان و افراد تغییر جنسیت داده بودند. او (که خود سابقاً راهبه بوده است) فرآیند خروج داوطلبانه از نقش‌های اجتماعی مهم را مورد بررسی قرار داد.

در این کار بر اساس روش تحقیق، ابا یک مدل ۴ مرحله‌ای برای خروج از نقش ارائه کرد. اولین مرحله آغاز می‌شود؛ به طوری که فرد دچار ناامیدی، خستگی، یا صرفاً عدم خشنودی از پایگاه خود و نقش‌های مرتبط به آن وضعیت اجتماعی می‌شود. مرحله دوم عبارت است از جستجو به دنبال جایگزین‌ها. فردی که از پیشه خود ناخشنود است ممکن است مرحله‌ای از غیبت را بگذراند؛ چنانچه یک زوج متاهل ناراضی ممکن است شروع به جدایی‌های موقت کنند.

مرحله سوم خروج از نقش، مرحله عمل یا عزیمت است. ابا دریافت که اکثریت زیادی از پاسخگویانش می‌توانستند نقطه تحول آشکاری را مشخص کنند که آنها را به این احساس می‌رساند که دیگر ضروری است که عمل آخر را انجام دهند و کارشان را ترک کنند - به زندگی زناشویی خود خاتمه دهند، یا به گونه دیگری از خروج از نقش بپردازند. با این حال ۲۰ درصد پاسخگویان خروج از نقش خود را فرآیندی تدریجی و تکاملی می‌بینند که نقطه برگشت ساده‌ای نداشته است. آخرین مرحله خروج از نقش، خلق یک هویت جدید است.

بسیاری از شما خروج از نقش را به هنگام انتقال از دبیرستان به دانشگاه تجربه نموده‌اید. شما نقش زندگی کودکانه در خانه را پشت سر گذاشته‌اید و نقش زندگی دانشجویی نسبتاً در خوابگاه را به خود گرفته‌اید. جامعه‌شناس ایرا سیلور مطالعه‌ای در مورد نقش محوری که اشیاء مادی در این انتقال بازی می‌کنند، انجام داده است. اشیایی که دانشجویان برای ترک خانه انتخاب می‌کنند نظیر عروسک‌ها و خرسک‌ها با هویت پیشین آنها مرتبط است. آنها عمیقاً به این اشیاء متصل می‌مانند، اما نمی‌خواهند که آنها به عنوان بخشی از هویت‌های جدیدشان در دانشگاه دیده شوند. اشیایی که آنها با خود می‌آورند نشانگر آن است که آنها اکنون چگونه خود را می‌بینند و آرزو دارند چگونه درک شوند. مثلاً CDها، نوارهای کاست، پوسترهای دیواری، همه اینها به گونه‌ای طراحی می‌شوند تا فرد نشان دهد که این منم.

## گروهها



تصاویر اتاق خوابگاه این دانشجویان در هند می‌تواند تلاش آنان را برای خلق یک هویت جدید نشان دهد. مرحله نهایی در خروج نقش.

در اصطلاحات جامعه‌شناسی یک گروه تعدادی از افراد با هنجارها، ارزش‌ها و انتظارات یکسان است که با یکدیگر به طور منظم تعامل دارند. اعضای یک تیم بسکتبال دختران دانشکده، یک دفتر تجاری، بیمارستان یا یک سمفونی ارکستر، تشکیل دهنده یک گروه هستند. با این حال تمامی کارکنان یک بیمارستان بزرگ به عنوان یک گروه در نظر گرفته نمی‌شوند، چون کارکنان در یک زمان

به ندرت با یکدیگر تعامل در نظر گرفته نمی‌شوند، چرا که این کارکنان به ندرت در یک زمان با هم تعامل دارند. شاید تنها زمانی که آنها همگی دور هم جمع می‌شوند، جشن سالانه بیمارستان باشد.

هر جامعه‌ای متشکل از گروههای بسیاری است که در آن‌ها تعاملات روزانه اجتماعی رخ می‌دهد. ما خواهان گروهییم تا روابط دوستی برقرار کنیم، به اهداف خاصی برسیم و نقش‌های اجتماعی را که از ما خواسته می‌شود به نحو احسن انجام دهیم. ما انواع متنوعی از گروهها که در آنها افراد به تعامل می‌پردازند به تفصیل در فصل ۶ مورد بحث قرار می‌گیرد، همچنین تحقیقات جامعه‌شناختی در مورد رفتار گروهی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند.

گروهها بخش حیاتی از ساختار اجتماعی یک جامعه را می‌سازند. بسیاری از تعاملات اجتماعی ما در گروهها به وقوع می‌پیوندد و تحت تاثیر هنجارها و جنبه‌های آن گروه‌ها است، هنگامیکه در گروه‌های خاصی که برای این موفقیت‌های اجتماعی خاص - نوجوانان یا بازنشستگان - ایجاد شده‌اند، به تعامل می‌پردازید، متوجه می‌شوید که این واژگان معانی ویژه‌ای به خود می‌گیرند. انتظارات مرتبط با بسیاری نقش‌های اجتماعی، از جمله نقش‌های مرتبط با پایگاه‌های برادر، خواهر و دانشجو، در زمینه یک گروه با وضوح بیشتری تعریف می‌شوند.

تکنولوژی جدید تعریف گروه‌ها را توسعه داده است به طوری که آنهایی را که به طور الکترونیکی با یکدیگر به تعامل می‌پردازند را نیز در بر می‌گیرد. امروزه حدود نیمی از نوجوانان آمریکایی به اینترنت متصلند؛ ۸۳ درصد آنان به تبادل نامه‌های الکترونیکی (ایمیل) می‌پردازند، و ۴۲ درصد از چت روم‌ها استفاده می‌کنند. همه افرادی که در اینترنت آنها گفتگو می‌کنیم، واقعی نیستند. در برخی وبسایت‌ها، ربات‌های سخنگو - عاملان مصنوعی که به وسیله برنامه‌های هوشمند مصنوعی ایجاد می‌شوند- همانند یک انسان به سوالات پاسخ می‌گویند. در هنگام پرسش از تولیدات یا خدمات مرتبط، برنامه سخنگو می‌تواند شروع به «گپ زدن» با یک مشتری بر خط در مورد خانواده یا وضعیت هوا نماید. در نهایت چنین تعاملاتی می‌تواند در گروهی شامل دیگر شرکت‌کنندگان واقعی و مصنوعی انجام

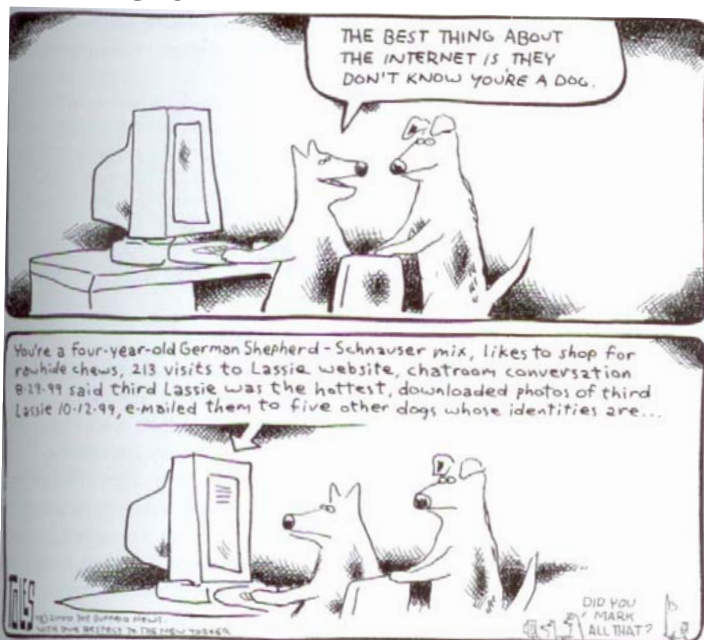
پذیرد. گروه‌های جدیدی که حول علایق قدیمی، نظیر مجموعه‌های عتیقه یا بازی بولینگ گردآمده‌اند، ابتدائاً از این نوع واقعیت مجازی، برخاسته‌اند.

برای شرکت‌کننده انسانی، چنین مبادلات بر خطی، شانس جدیدی برای تغییر تصویری از خود- که گافمن آن را مدیریت تاثیر نامید- ارائه می‌کند. شما خود را در یک گروه بحث بر خط احتمالاً چگونه نشان می‌دهید؟

## شبکه‌های اجتماعی و تکنولوژی

گروهها صرفاً در خدمت تعریف سایر عناصر ساختار اجتماعی نظیر نقش و پایگاه‌ها نیستند، بلکه آنها واسطه اتصال میان فرد و جامعه بزرگترند. ما همگی اعضای تعدادی گروه‌های متفاوت هستیم و از طریق آشنایی‌هایی که داریم با افراد حوزه‌های اجتماعی متفاوت ارتباط برقرار می‌نماییم. این ارتباط **شبکه اجتماعی** نامیده می‌شود- یعنی مجموعه‌ای از روابط اجتماعی که یک شخص را مستقیماً به دیگران و به همین ترتیب بطور غیر مستقیم به افراد بیشتری متصل می‌کند. شبکه‌های اجتماعی ممکن است افراد را با محدود کردن دامنه تعاملاتشان مقید سازند، اما این شبکه‌ها همچنین می‌توانند با در دسترس قرار دادن منابع وسیع، به افراد اختیار و قدرت اعطا کنند. تعلق به شبکه‌های اجتماعی- که عموماً شبکه بندی نامیده می‌شود- به ویژه در پیدا کردن شغل ارزشمند است. مثلاً، البرت اینشتین تا یک سال پس فارغ التحصیلی به دنبال کار می‌گشت و هنگامی که یکی از همکلاسی‌های پدرش او را به کار فرمای آینده‌اش متصل کرد توانست در یافتن شغل موفق شود. این انواع اتصال، حتی وقتی ضعیف و با فاصله‌اند در ساختن شبکه‌های اجتماعی و تسهیل انتقال اطلاعات، حیاتی هستند.

با پیشرفت تکنولوژی، امروز ما می‌توانیم شبکه‌های اجتماعی را به طور الکترونیکی داشته باشیم. ما دیگر نیازی به تماس‌های چهره به چهره برای سهیم شدن در دانش نداریم. امروزه رجوع اولیه به اینترنت برای یافتن شغل یا پیدا کردن فردی، با علایق مشترک دیگر روش غیر غادی نیست. بلکه اولین تاثیرات روی وب شروع می‌شود.



پیمایشی از دانشجویان دانشگاه به این نتیجه رسیده که ۷۹ درصد آنان کیفیت وب سایت یک فرما را در تصمیم‌گیری برای درخواست یا عدم درخواست استفاده مهم دانسته‌اند.

جامعه‌شناس، مانوئل کاستل ظهور شبکه‌های اجتماعی الکترونیکی برای سازمان‌های جدید و رشد تجارت و شرکت‌های موجود، اساسی می‌داند. یک شبکه الکترونیکی در حال ظهور ویژه‌ای در حال تغییر، شیوه نظری مردم است. «متن

نویسی» که اولین بار در سال ۲۰۰۰ در آسیا شروع شد و امروزه در آمریکای شمالی و اروپا ظهور یافته است ایمیل هایی است که از طریق تلفن های همراه در صفحات نمایش کوچک مدل های جدید مبادله می شود. متن نویسی ابتدائاً در بین کاربران جوان عمومیت یافت که پیام های خلاصه شده ای نظیر ( where are you ) wRy و CV2NYT (see you tonight) را برای هم می فرستادند. اما امروزه جهان تجارت شاهد پیشرفت هایی در انتقال ایمیل های تجاری یا مالی به پیشرفته از طریق تلفن های همراه است. با این حال جامعه شناسان هشدار می دهند که چنین وسایلی مشغله کاری پایان ناپذیری ایجاد می کنند و اینکه مردم به طور روز افزونی بیشتر مشغول چک کردن وسایل دیجیتالی خود می شوند تا مکالمه؛ تا با افراد پیرامون خود.

تحقیقی که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد افزایشی را در مدت میزان زمانی که مردم در خانه هایشان صرف اینترنت می کنند، نشان داده است. این افزایش پیش بینی می کند که تعاملات چهره به چهره ممکن است به طور قابل توجهی کاهش یابد.

چرا که هر فرد در روز ساعات معدودی در اختیار دارد. در واقع، یک سوم پاسخگویان گفته اند که آنها بیش از پنج ساعت در هفته در منزل صرف پرداختن به اینترنت می کنند. در میان استفاده کنندگان پرکارتر، ۸ درصد گفته اند که به خاطر کار با اینترنت، کمتر در برنامه های اجتماعی شرکت می کنند و ۱۳ درصد اذعان نموده اند که زمان کمتری را با خانواده و دوستان می گذرانند. البته، اینترنت همچنین می تواند تماس های اجتماعی را ترویج کند، به ویژه بین کسانی که شانس کمتری در برقراری تماس های اجتماعی دارند، نظیر معلولان و آنهایی که از نظر جغرافیایی جدا هستند. تعداد افراد بازنشسته ای که در چت روم های ایجاد شده برای کاربران مسن شرکت می کنند، با سرعت قابل توجهی افزایش یافته است. شرکت کنندگان در وب سایت هایی نظیر ThirdAge معتقدند روابط دوستی جدیدی را شکل داده اند که جایگزین اشکال قدیمی آن در محل کار شده است. در فصل ۱۶ روش هایی را که به وسیله آن تکنولوژی کامپیوتری به شکل دهی شبکه های اجتماعی وسیع تر و حتی بین المللی کمک نموده است، بیشتر خواهیم پرداخت.

در محل کار، به خاطر حضور سنتی مردان در موقعیت های رهبری، شبکه ها بیشتر در خدمت مردانند تا زنان. پیمایشی از عوامل اجرایی در سال ۱۹۹۷ به این نتیجه رسید که ۶۳ درصد از مردان در مقایسه با ۴۱ درصد زنان برای یافتن شاغل جدید از شبکه ها استفاده می کنند. ۳۱ درصد از زنان در برابر تنها ۱۳ درصد مردان برای یافتن مشاغل جدید از آگهی های طبقه بندی شده استفاده می کنند. با این حال، همان طور که در پنجره ۵-۲ می بینیم، زنان در تمامی سطوح نیروی کار مزد بگیری شروع به استفاده موثر از شبکه های اجتماعی کرده اند. یک مطالعه در مورد زنانی که از فهرست اعانه های دولتی خارج شده تا وارد نیروی کار مزدبگیری شوند، دریافته است که شبکه ها ابزار موثری در جستجوی آنها برای کار است. شبکه های غیر رسمی نیز به آنان در یافتن مراقبت از کودکان و خانه داری بهتر- که هر دو برای کار شغلی موفقیت آمیز کلیدی اند- کمک نموده است.

در مطالعه جدید که در مورد شبکه های غیر رسمی بین مدیران میان سال در ۴ رده در ۵۰۰ شرکت انجام گرفته، هرمینا ایبرا از دانشکده تجارت دانشگاه هاروارد به تاثیر نژاد و شبکه اشاره کرده است. در حالی که مدیران سفید پوست اغلب در شبکه های اجتماعی کاملاً سفید پوست شرکت می کنند، مدیران آمریکایی- آفریقایی بیشتر

عضو شبکه های نژادی یکپارچه هستند که بخشی از آن به خاطر این است که به طور نسبی سیاه پوستان اندکی با آنان در شبکه وجود دارند. آمریکایی- آفریقایی ها با در نظر داشتن این واقعیت، آرایه های متنوعی از سازمان های ملی ایجاد نموده اند تا به تلاش های شبکه ای خود کمک کنند. از جمله، انجمن ملی سیاهان MBA، انجمن ملی کارآفرینان زن سیاه پوست، بنیاد فیلمسازان سیاه پوست، راک ها (که به راهنمایی افسران و ماموران سیاه پوست جوان در ارتش آمریکا اختصاص دارد)، و ائتلاف دختران سیاه پوست (که مدل های مد آمریکایی- آفریقایی را جمع آوری می کند). نژاد و جنسیت در شبکه های چهره به چهره نقش آشکاری دارد، اما شبکه های الکترونیکی به مرور زمان این امکان را می دهد که فرد بتواند هویت های اجتماعی متفاوت یا حداقل مبهمی اخذ کند.

### نهادهای اجتماعی

رسانه های جمعی، دولت، اقتصاد، خانواده، و نظام مراقبت های درمانی همگی مثال هایی از نهادهای اجتماعی هستند که در جامعه ما یافت می شود. *نهادهای اجتماعی* الگوهای سازمان یافته ای از باورها و رفتارند که بر محور نیازهای اجتماعی اساسی مثل جایگزینی اعضا (خانواده) و حفظ نظم (دولت) شکل گرفته اند. جامعه شناسان با مطالعه نهادهای اجتماعی، بینشی نسبت به ساختار یک جامعه به دست می آورند؛ مثلا نهاد مذهب با بخشی از جامعه که بدان خدمت می کند، انطباق یافته است. عملکرد کلیسا برای کشیشانی که در مناطق پست شهر، نیروی دریایی، یا یک اجتماع طبقه متوسط حومه شهری خدمت می کنند، معانی بسیار متفاوتی دارند. رهبران مذهبی که به خدمت در مناطق پست شهر مشغول هستند، بیشتر به مشکلات بیماری ها و تهیه غذا و سر پناه می پردازند؛ در مقابل، روحانیان مناطق حومه ای ثروتمند بیشتر به ارائه مشاوره به کسانی که می خواهند ازدواج کنند یا طلاق بگیرند و نظارت بر رویدادهای فرهنگی می پردازند.

### دیدگاه کارکرد گرا

یک راه فهم نهادهای اجتماعی این است که ببینیم آنها چگونه کارکردهای ضروری را انجام می دهند. انسان شناس دیوید ف. آبرل و همکارانش و نیز جامعه شناسان ریموند ماک و کالوین برادفورد پنج وظیفه یا پیش نیاز کارکردی اصلی را معرفی کرده اند که یک جامعه یا گروه نسبتا پایدار برای بقا بایستی آنها را انجام دهد (جدول ۵-۱ را ببیند):

۱. جایگزینی اعضا. هر گروه یا جامعه ای باید وقتی اعضایش می میرند، آنجا را ترک می کنند یا از کار افتاده می شوند، برای آنها جایگزینی بیابد. این کار از طرقی چون مهاجرت به گروه، پیوستن گروه هایی از مردم اطراف، تملک بردگان یا باز تولید جنسی معمولی اعضا صورت می گیرد. شاکرها، فرقه ای مذهبی که در سال ۱۷۷۴- به آمریکا مهاجرت کرد، مثال برجسته ای برای گروهی است که موفق به جایگزینی اعضا نشده است. باورهای مذهبی آنان شاکرها را ملزم به تجرد می نمود؛ گروه برای بقا می بایست اعضای جدیدی را استخدام کند. در اوایل، شاکرها موفقیت زیادی در جذب اعضا کسب کردند و تعدادشان به حدود ۶۰۰ عضو در ایالات متحده در طول دهه ۱۸۴۰ رسید. با این حال در سال ۱۹۹۹ تنها جماعت باقیمانده شاکرها در این کشور،



**جدول ۵-۱. کارکردها و نهادها**

نهادهای اجتماعی	پیش نیاز کارکردی
خانواده دولت (درون مهاجرتی)	جایگزینی کارکنان
خانواده (مهارت‌های اولیه) اقتصاد (مشاغل) آموزش و پرورش (مدارس) دین (تعلیمات دینی)	آموزش اعضای جدید
خانواده (آماده کردن غذا) اقتصاد دولت (قوانین مربوط به تجارت) نظام خدمات درمانی	تولید و توزیع کالاها و خدمات
خانواده (پرورش کودک، قواعد جنسی) دولت دین (قواعد اخلاقی)	حفظ نظم
دولت (میهن پرستی) دین	ایجاد و حفظ آگاهی از هدف

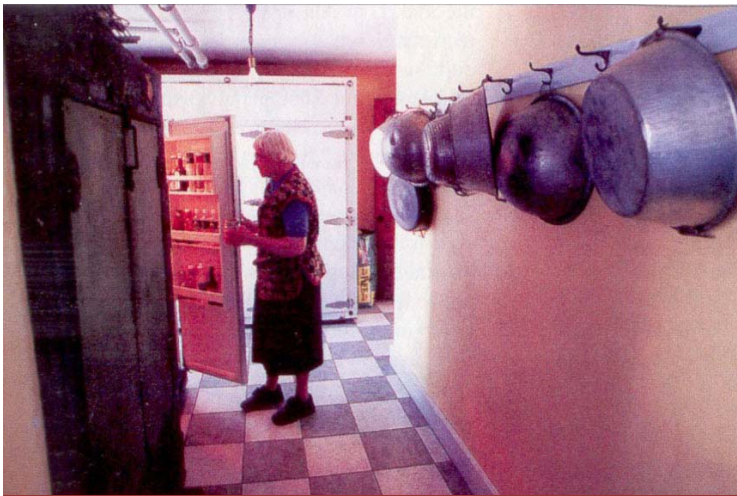
مزرعه ای در ماین ۷ با عضو بود.

۲. آموزش اعضای جدید. هیچ گروهی باقی نخواهد ماند اگر که بسیاری از اعضایش رفتارهای مصوب و مسئولیت های گروه را انجام ندهد لذا صرف یافتن و ایجاد اعضای جدید کافی نیست، بلکه گروه باید اعضای جدید خود را تشویق به آموختن و پذیرش ارزش ها و سنت های خود نماید. این آموختن می تواند به طور رسمی در مدارس (جایی که آموختن یک کارکرد آشکار است) یا به طور غیر رسمی از طریق تعامل و مذاکره در گروههای همالان (جایی که تعلیم یک کارکرد پنهان است) صورت گیرد.

۳. تولید و توزیع کالاها و خدمات. هر گروه نسبتا پایدار یا جامعه، باید کالاها و خدمات مطلوب را برای اعضایش تولید و توزیع

نماید. پس هر جامعه ای مجموعه قواعدی برای تخصیص منابع مالی و سایر منابع وضع می کند و یک گروه باید نیازهای اکثر اعضایش را دست کم تا حدی برآورده کند. در غیر این صورت در خطر احتمال نارضایتی و نهایتا آشفستگی و بی نظمی قرار می گیرد.

۴. حفظ نظم. مردم محلی تاسمانی، جزیره بزرگی دقیقا در جنوب استرالیا، امروزه منقرض شده اند. در طول دهه ۱۸۰۰، آنها در جشنهای تیراندازی اروپاییان فاتحی که آنها را نیمه انسان می پنداشتند، از بین رفتند این انقراض بر یک کارکرد حیاتی هر گروه یا جامعه ای تاکید می کند- حفظ نظم و حفاظت از خود در برابر حمله از آنجا که تاسمانی ها نتوانستند از خود در برابر تکنولوژی تسلیحاتی پیشرفته تر اروپایی ها دفاع کنند، همه مردم از بین رفته اند.



خواهر ماری که به آخرین بازماندگان جماعت شاکر در ایالات متحده تعلق دارد، غذاها را در یخچال خانه گروهی در ماین بررسی می‌کند. شاکر های مجرد هیچ روش موثری برای جایگزینی پرسنل خود نیافتند- امری ضروری برای اینکه یک گروه به صورت بخش پایداری از یک جامعه باقی بماند.

۵. ایجاد و حفظ آگاهی از هدف. افراد باید برای این که به عنوان اعضای یک جامعه به اجرای چهار نیاز پیشین ادامه دهند، انگیزه داشته باشند. رفتار زندانیان جنگ آمریکا (pows) هنگام حبس در طول جنگ ویتنام

سندی است در اهمیت حفظ آگاهی از هدف در محوطه های زندان. برخی از این مردان در ذهن خود نقشه های پیچیده

ای برای ازدواج، خانواده، بچه ها، انجمن ها و مشاغل جدید می کشیدند. برخی حتی در تخیل خود خانه‌هایی می ساختند- با تجسم آخرین دستگیره های در و شیرهای آب. با حفظ آگاهی به هدف، علاقه شدید آنان به بازگشت سرزمین مادری شان و تشکیل یک زندگی معمولی- این زندانیان اجازه نمی دادند تا درد و رنج حبس، سلامت روانی آنان را تخریب کند. بسیاری از وجوه یک جامعه می تواند به مردم در تشکیل و حفظ آگاهی به هدف کمک کند. برای برخی مردم، ارزش های مذهبی یا دستورالعمل های اخلاقی شخصی بیشتر تعیین کننده اند، در حالیکه برای دیگران هویت های ملی و قبیله ای اهمیت دارند. با وجود این تفاوتها، در هر جامعه ای یک واقعیت معمول و حیاتی باقی می ماند. اگر یک فرد دارای آگاهی از هدف نباشد، او جنبه ای منطقی برای کمک به بقای جامعه نخواهد داشت.

این فهرست پیش نیازهای کارکردی مشخص نمی کند که یک جامعه و نهادهای اجتماعی متناظر آن چگونه هر یک از این وظایف را انجام می دهد مثلا، جامعه ای ممکن است با ایجاد زرادخانه ترسناکی از تسلیحات جنگی خود را از حملات خارجی ایمن سازد، در حالی که جامعه دیگر ممکن است کوششهای شخصی برای بی طرف ماندن در سیاست های جهانی و برقراری روابط همکاری با همسایگانش تلاش کند. بدون توجه به اینکه استراتژی خاص آن جامعه چیست، هر جامعه یا گروه نسبتا پایدار باید بکوشد تا تمام این پیش نیازهای کارکردی را برای بقاء ایجاد نماید. اگر در انجام حتی یکی از این شرایط شکست بخورد- مانند مورد تاسمانی ها- جامعه در خطر انقراض قرار گیرد.



کامپیوترهای اهدایی کوششی است برای ترمیم نابرابری های ذاتی بین نظام های مدارس غنی و فقیر در ایالات متحده. مدیر مدرسه فیلادلفیا- دیوید مورنیک- در چپ و رئیس هیات مدیره IBM و CEO لوئیس گروستتر، جی. آر. کودکان مدرسه ابتدایی را که سعی می کنند با یکی از کامپیوترهای اهدایی شرکت IBM کار کنند، می نگرند.

### دیدگاه تضادی

نظریه پردازان تضاد با رویکرد کارکرد گرایان به نهادهای اجتماعی موافق نیستند. در حالیکه هر دو چشم انداز توافق دارند که نهادها در رابطه با نیازهای اجتماعی اساسی سازمان یافته اند، نظریه پردازان تضاد این پدیده را که پیامدهای آنها لزوماً کافی و مطلوب است، قبول ندارند. از یک چشم انداز تضادی، سازمان دهی فعلی نهادهای اجتماعی اتفاقی نیست. نهادهای عمده، نظریه آموزش و پرورش، به حفظ امتیازات قدرتمندترین افراد و گروههای درون

یک جامعه کمک می کند، و در همین حال دیگران را در فقر خود باقی می گذارد. به عنوان مثال مدارس عمومی در ایالات متحده به طور گسترده ای از طریق مالیات بر اموال مردم تامین حمایت می شود. این امر باعث می شود تا مناطق ثروتمند تر با حقوق بیشتری نسبت به مناطق با در آمد کمتر داشته باشند. در نتیجه، کودکان اجتماعات مرفه برای رقابت علمی بهتر آماده می شوند تا کودکان اجتماعات فقیر. ساختار نظام آموزشی این کشور، چنین برخورد نابرابر با کودکان را در مدرسه روا می داند و حتی آن را ترویج می کند.

نظریه پردازان تضاد مدعی اند که نهادهای اجتماعی نظیر آموزش و پرورش دارای یک ماهیت محافظه کارانه ذاتی هستند. بدون شک اجرای اصلاحات آموزشی به نظر ترویج فرصت های برابر- چه در مناطق آموزشی دو زبانه، رفع تبعیض در مدرسه ها، یا جمع آوردن دانش آموزان دارای معلولیت- کاری دشوار است. از چشم انداز کارکرد گرا، تغییر اجتماعی می تواند کژکارکردی باشد، چون اغلب منجر به بی ثباتی می گردد؛ با این حال، از یک دیدگاه تضادی، اگر ساختار اجتماعی نا مناسب و تبعیض آمیز است، چرا باید آن را حفظ کنیم؟

همان طور که نظریه پردازان تضاد به همراه فمینیست و تعامل گرایان اشاره نموده اند، نهادهای اجتماعی به جنسیتی و نژادی کردن نیز محیط می پردازند. در مدارس، ادارات و نهادهای دولتی، پیش فرضهایی در مورد اینکه افراد چه کاری می توانند انجام دهند، باز تاب کننده جنسیت گرایی و نژاد گرایی جامعه وسیع تر است. به عنوان مثال بسیاری افراد بر این باورند که زنان- حتی آنها که در سطوح بالای مدیریتی شرکت هستند- توانایی اخذ تصمیمات قاطع را ندارند (فرآیند بر چسب زنی به تفصیل بیشتر در بخش سیاست اجتماعی فصل ۱۳ مورد بحث قرار خواهد گرفت). نابرابری مبتنی بر جنسیت، پایگاه اقتصادی، نژاد و قومیت در چنین محیط هایی که ما تبعیض های سنی، معلولیتی و جنسی را بدان می افزاییم، رشد می کند. حقیقت این ادعا می تواند در تصمیمات معمولی که

در آگهی های شغلی گرفته می شود و اعطا یا عدم اعطای مزایای شغلی نظیر مراقبت از کودکان و مرخصی والدین، دیده شود.

برای توصیف مدل های مرتبط در مورد ظلمی که در بسیاری نهادها جا افتاده است، جامعه شناس فمینیست پاتریشیا هیل کالینز عبارت ماتریس سلطه را وضع کرد. بدون دخالت فعالان و سیاست گذاران در بازسازی تصمیم گیری در این نهادها، آنهایی که در گروههای با مزایای اندک هستند، همچنان در پایین خواهند ماند.

### دیدگاه تعامل گرا

ما چه در حال رانندگی در خیابان باشیم و یا در صف خرید از یک فروشگاه منتظر بمانیم نهادهای اجتماعی رفتار هر روزه ما را، متاثر می سازند، جامعه شناس میشل دونیر رفتار اجتماعی ماشین نویسان را که همگی زانی بودند که در مرکز خدمات یک شرکت حقوقی بزرگ در شیکاگو کار می کردند، مورد مطالعه قرار داد. دونیر به هنجارهای اجتماعی غیر رسمی که در این محیط اجتماعی ظاهر شده بود و نیز شبکه اجتماعی غنی پی که این کارکنان زن ایجاد کرده بودند، علاقه مند بود. چنانکه گفته می شود، مرکز شبکه تنها یک اتاق ساده بدون پنجره است، در یک ساختمان اداری بزرگ که شرکت ۷ طبقه از آن را اشغال نموده است. در این مرکز دو شیفت از ماشین نویسان از ۴ بعد از ظهر تا نیمه شب یا از نیمه شب تا ۸ صبح کار می کنند. هر ماشین نویس در اتاقکی با فضایی صرفا به اندازه صفحه کلید، صفحه نمایش، چاپگر و تلفنش، کار می کند. وظایف کاری ماشین نویسان در یک سبد مرکزی قرار می گیرد و سپس مطابق یک فرآیند دقیق انجام می شود. در نگاه اول ممکن است ما تصور کنیم که این کارکنان زن با تماس های اجتماعی اندک، از استراحت های کاری محدود و مکالمات گاهگاهی با سرپرست خود، بی نصیباند؛ با این حال براساس چشم انداز تعامل گرا، دونیر متوجه شد که این زنان علیرغم کار در یک دفتر بزرگ، لحظات خصوصی برای صحبت کردن (اغلب در راهروها یا بیرون و دستشویی) می یابند و نگاه منتقدانه مشترکی نسبت به وکلای شرکت حقوقی و منشی های شیفت روزانه دارند. در واقع ماشین نویسان بر این نظرنند که وظایفی که بر عهده آنان گذاشته شده، در واقع کاری است که منشی های تنبل شیفت روز بایستی در مدت کاری معمول

خود انجام می دادند. دونیر از قول یک ماشین نویس نقل می کند که از نگاه برتری جویانه به فرد کلارنجیده بود و عمدا از توجه یا صحبت کردن با هر وکیلی که او را به نامش صدا نمی زد، امتناع می کرد.

نظریه پردازان تعامل گرا تاکید می کنند که رفتار اجتماعی ما توسط نقش ها و پایگاههایی که می پذیریم،



به نظر شما انبوه بازدیدکنندگان این موزه یکدیگر را می شناسند؟ غریبه هایی که در مکانی اجتماع می کنند می توانند بخشی از یک گزل شافت محسوب شوند.

گروههایی که بدانها تعلق داریم و نهادهایی که در آن کار می‌کنیم، مشروط می‌شود. مثلاً نقش‌های اجتماعی مرتبط با یک قاضی بودن، در زمینه گسترده تر نظام دادگاه جرایم شکل می‌گیرد. پایگاه «قاضی» در رابطه با دیگر پایگاه‌ها نظیر وکیل، مدعی، مدعی علیه و شاهد و نیز نهاد اجتماعی حکومت، واقع است. درحالیکه جنبه‌های نمادین دادگاهها و زندان‌ها ترس آور است، نظام قضایی اهمیت پایدار خود را مدیون نقش‌هایی است که افراد در نهادهای اجتماعی انجام می‌دهند.

### ساختار اجتماعی در چشم انداز جهانی

جوامع مدرن به ویژه وقتی با نظام‌های اجتماعی گذشته مقایسه می‌شوند، پیچیده‌اند. جامعه‌شناسان فردنیاند تونیس و گرهارد لنسکی، سنخ‌شناسی‌های مهمی برای مقایسه جوامع مدرن با اشکال ساده تر ساختار اجتماعی ارائه داده‌اند.

### گماین‌شافت و گزل‌شافت تونیس

فردنیاند تونیس از شکل‌گیری و توسعه یک شهر صنعتی در کشورش آلمان در اواخر دهه ۱۸۰۰ بیمناک بود. از نظر او این شهر از نوع آرمانی جماعت- با روابط نزدیک و به هم پیوسته که تونیس گماین‌شافت می‌نامیدش- یک جامعه ای توده ای و غیر شخصی- که به عنوان گزل‌شافت شناخته می‌شد- در حال تغییر بود

جماعت گماین‌شافت، نشان دهنده زندگی روستایی بود. جماعتی کوچک که در آن مردم دارای زمینه‌ها و تجارب زندگی مشابه‌اند. تقریباً هر کسی دیگری را می‌شناسد و تعاملات اجتماعی بقدری صمیمی و آشناست، که تقریباً به روابط شخصی یا خویشان می‌ماند. در این جماعت افراد نسبت به گروه اجتماعی خود تعهد دارند و میان اعضای جماعت احساس با هم بودن وجود دارد. مردم با دیگران به شیوه ای شخصی ارتباط برقرار می‌کنند، نه صرفاً به عنوان «منشی» یا «مدیر». این تعامل شخصی زیاد، حریم خصوصی باقی می‌گذارد و ما در مورد همه افراد چیزهای زیادی می‌دانیم. کنترل اجتماعی در جماعت گماین‌شافت از طریق

وسایل غیر رسمی نظیر اقناع اخلاقی، شایعه و حتی اشارات، حفظ می‌شود. این تکنیک‌ها به طور موثری اثر بخش هستند، زیرا افراد شدیداً به اینکه دیگران چه احساسی نسبت به آنها دارند، اهمیت می‌دهند. تغییر اجتماعی در گماین‌شافت نسبتاً محدود است، بطوریکه زندگی اعضای یک نسل ممکن است به زندگی اجدادشان بسیار شبیه باشد.

در مقابل، گزل‌شافت نوع آرمانی‌یی است که نشانگر زندگی شهری مدرن است. اکثر مردم با هم بیگانه‌اند و احساس اشتراک اندکی با ساکنان جماعت دیگر می‌کنند. روابط بوسیله نقش‌های اجتماعی که خارج از وظایف بلا واسطه افراد رشد نموده مدیریت می‌شود، نظیر خرید یک کالا یا تنظیم یک ملاقات تجاری. منافع شخصی غلبه دارد، و عموماً وفاق اندکی در مورد ارزش‌ها یا تعهد به گروه وجود دارد. در نتیجه، کنترل اجتماعی باید متکی بر تکنیک‌های رسمی تری نظیر قوانین و تنبیهات تعریف شده قانونی باشد. تغییر اجتماعی جنبه مهمی از زندگی در گزل‌شافت است. بطوریکه این تغییر به طور قابل توجهی حتی در طی یک نسل مشهود است.

جدول ۵-۲ مقایسه گماین شافت و گزل شافت	
گماین شافت	گزل شافت
زندگی روستایی نمونه بارز این نوع است.	زندگی شهری نمونه بارز این نوع است.
مردم در احساس یک اجتماعی که برخاسته از زمینه ها و تجارب زندگی یکسان آنهاست، مشترک‌اند.	مردم احساس اندکی از مشترک بودن دارند. تفاوت های زمینه آنها بیش از مشابهت های آنان قابل توجه تر است.
تعاملات اجتماعی، از جمله مذاکرات، صمیمانه و خودمانی است.	تعاملات اجتماعی، از جمله مذاکرات، بیشتر تخصصی- کاری است.
روح همکاری و اراده واحد وجود دارد.	علاقه شخصی غلبه دارد.
وظایف و روابط شخصی نمی‌تواند از هم مجزا باشد.	وظایف در حال انجام اصل، و روابط فرعی محسوب می‌شود.
تاکید اندکی بر حریم خصوصی وجود دارد.	حریم خصوصی ارزشمند است.
کنترل اجتماعی غیررسمی سلطه دارد.	کنترل اجتماعی رسمی آشکار است.
مدارای کمی در مورد کجروی می‌شود.	مدارای بیشتری در مورد کجروی می‌شود.
تاکید بر پایگاه های انتسابی است.	تاکید بیشتر بر پایگاه های اکتسابی است.
تغییر اجتماعی نسبتا محدود است.	تغییر اجتماعی کاملا مشهود است- حتی درون یک نسل.

جدول ۵-۲ تفاوت‌های گماین شافت و گزل شافت را که توسط تونیس تشریح شده، جمع بندی نموده است. جامعه‌شناسان این اصطلاحات را برای مقایسه ساختارهای اجتماعی با تاکید بر روابط نزدیک با آنها که بر الزامات شخصی کمتری تاکید می‌ورزند، بکار برده‌اند. آسان است که به گماین شافت با نوستالژی به عنوان شیوه بسیار بهتری از زندگی نسبت به روند رقابت آمیز هستی معاصر بنگریم. ولی، روابط صمیمی تر گماین شافت هزینه‌هایی هم دارد. تعصب و تبعیض موجود در گماین شافت می‌تواند بسیار محدود کننده باشد تاکیدات زیادتری بر پایگاه های انتسابی نظیر زمینه خانوادگی صورت می‌گیرد، تا بر ذوق و دستاوردهای فردی اشخاص. به علاوه در گماین شافت به فردی که می‌کوشد خلاق یا صرفا متفاوت باشند، با سوء ظن نگریسته می‌شود.

### رویکرد تکامل اجتماعی - فرهنگی لنسکی

جامعه شناس گرهارد لنسکی نگاه بسیار متفاوتی به جامعه و ساختار اجتماعی افکنده است. علاوه بر تمایزگذاری میان دو نوع متضاد جوامع (نظیر کار تونیس)، لنسکی جوامع انسانی را در تغییر مداوم جهت انطباق با یک الگوی مسلط می‌بیند که آن را *تکامل اجتماعی- فرهنگی* می‌نامد. این اصطلاح به فرآیند تغییر و توسعه در

جوامع انسانی که نتیجه رشد تراکم منابع اطلاعات فرهنگی است، اشاره دارد. در بخش‌هایی که به دنبال می‌آید ما پیامدهای تکامل اجتماعی- فرهنگی را برای ساختار اجتماعی یک جامعه بررسی خواهیم نمود.

از نظر لنسکی، سطح تکنولوژی تاثیر قابل توجهی بر شیوه سازمان دهی آن جامعه دارد. او **تکنولوژی** را به «اطلاعاتی در مورد شیوه های استفاده از منابع مادی محیط برای ارضای نیازها و منافع انسانی» تعریف می‌کند. گرچه تکنولوژی موجود کاملاً شکل یک جامعه خاص و ساختار اجتماعی آن را تعیین نمی‌کند، با این حال سطح پایین تکنولوژی می‌تواند میزان بستگی به چیزهایی نظیر آبیاری و ماشین آلات پیچیده را محدود کند.

### جوامع پیشاصنعتی

یک جامعه پیشا صنعتی چگونه اقتصاد خود را سازماندهی می‌کند؟ اگر ما این را بدانیم، می‌توانیم جوامع را طبقه بندی کنیم. اولین نوع جامعه پیشا صنعتی که در تاریخ انسانی ظهور یافته، **جامعه گردآوری و شکار** بوده است که در آن مردم صرفاً بر غذاها و الیافی متکی بودند که به آسانی در دستشان بود. تکنولوژی در چنین جوامعی در حداقل خود بود. مردم در گروههایی سازماندهی شده بودند و به طور مداوم به جستجوی غذا در حرکت بودند. در این جامعه تقسیم کار اندکی با وظایف مشخص وجود داشت.

جوامع شکار و گردآوری متشکل از گروههای کوچک و بسیار پراکنده بود. هر گروه تقریباً شامل تمامی افراد مرتبط با یکدیگر بود. در نتیجه، اتصالات خویشاوندی منبع اقتدار و نفوذ بود و نهاد اجتماعی خانواده نقش مهمی ایفا می‌کرد. مطمئناً تونس چنین جوامعی را به عنوان نمونه‌هایی از گماین شافت می‌دید.

با وجودی که منابع کمیاب بود، نابرابری نسبتاً اندکی بر حسب کالاهای مادی وجود داشت. تمایزات اجتماعی درون جامعه شکار و گردآوری مبتنی بر پایگاه های انتسابی همچون جنسیت، سن و زمینه خانوادگی است. آخرین جوامع شکار و گردآوری در بخش جنوبی آمریکای جنوبی و صحرای کالاهاری در جنوب شرقی آفریقا قرار داشتند. این جوامع تقریباً تا اوایل قرن بیستم از بین نرفته بودند.

**جوامع کشاورزی** که در آن مردم به جای این که صرفاً بر اساس غذاهای در دسترس گذران زندگی کنند، به کشت بذر و چیدن محصول می‌پردازند، در حدود ۱۰/۰۰۰ تا ۱۲۰/۰۰۰ سال پیش ظهور یافتند. اعضای جوامع کشاورزی بسیار کمتر از شکارگران و گردآوران کوچ می‌کردند. آنها تاکید بسیار بیشتری بر تولید ابزارها و اشیاء خانگی داشتند. با این حال تکنولوژی در بین جوامع کشاورزی بسیار محدود باقی ماند. آنها به یاری چوب های حفر کننده و کج بیل ها به کشت و زرع گیاهان می‌پرداختند.

آخرین مرحله توسعه پیشاصنعتی، **جامعه ملکی** است که حدود ۵۰۰ سال پیش ظهور یافت. همانند جوامع کشاورزی، اعضای جوامع ملکی اولاً به تولید غذا مشغولند. ابداعات تکنولوژیکی جدید، نظیر گاو آهن، به کشاورزان این امکان را داد که بازدهی محصولاتشان را به شدت بالا ببرند، به طوریکه آنها می‌توانستند از یک زمین برای چند نسل بهره برداری کنند و در نتیجه امکان ظهور مناطق زندگی وسیع تر فراهم گشت.

ساختار اجتماعی جامعه ملکی متکی بر نیروی فیزیکی انسان ها و حیوانات در مقابل نیروی ماشینی استمرار یافت به هر حال ساختار اجتماعی نقش های به دقت تعریف شدیدتری نسبت به جوامع کشاورزی دارد. افراد متمرکز

بر وظایف خاصی نظیر تعمیر تورهای ماهی‌گیری یا کار آهنگری بودند. همان طور که محیط زیست انسان‌ها تحقق و ثبات بیشتری می‌گرفت، نهادهای اجتماعی با دقت بیشتری طراحی شد و حقوق مالکیت اهمیت بیشتری یافت. دوام نسبی و افزونی نسبی مازاد غذایی در جامعه ملکی، آن را در ایجاد مصنوعات چون آثار تاریخی عمومی، و اشیاء هنری و انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر آماده‌تر ساخت.

### جوامع صنعتی

اگر چه انقلاب صنعتی پادشاهان را سرنگون نکرد، اما تغییراتی به وجود آورد که به اندازه نتایج حاصل از انقلابات سیاسی، اهمیت داشت. انقلاب صنعتی که به طور گسترده‌ای در انگلستان در طول سالهای ۱۷۶۰ تا ۱۸۳۰ به وقوع پیوست، انقلابی علمی بود که توجه خود را بر کاربرد منابع غیر حیوانی (ماشینی) نیرو در انجام کار متمرکز نموده بود. به تدریج که مردم مزارع خود را رها کردند و شروع به کار در مکان‌های متمرکز چون کارخانه‌ها نمودند، تغییراتی در سازمان اجتماعی محل کار به وجود آمد.

با پیشرفت انقلاب صنعتی، شکل جدیدی از ساختار اجتماعی ظاهر شد. *جامعه صنعتی*، جامعه‌ای است مبتنی بر مکانیزه کردن تولید کالا و خدمات. جوامع صنعتی بر ابداعات جدیدی که موجب تسهیل تولید کشاورزی و صنعتی شده است و نیز منابع جدید ارزش نظیر بخار متکی هستند. بسیاری جوامع به ناچار از اقتصاد متکی به زمین به اقتصاد متکی بر صنعت انتقال یافتند. دیگر یک فرد یا خانواده نوعی، کل یک محصول را نمی‌سازد، بلکه به طور روزافزونی تخصصی شدن وظایف، و تولید کارخانه‌ای کالاها متداول شده است. کارگران - عموماً مردان و بلکه زنان و حتی کودکان - خانه را به قصد کار در کارخانه‌های مرکزی ترک می‌کنند.

فرآیندهای صنعتی شدن پیامدهای اجتماعی متمایزی داشته است. خانواده و جماعت‌ها نمی‌توانند به عنوان واحدهای خودکفا دوام داشته باشند. افراد روستاها و سایر مناطق شروع به مبادله کالاها و خدمات نموده‌اند و به یکدیگر وابسته شده‌اند. با اتکاء افراد بر کار دیگر جماعات، خانواده موقعیت منحصر به فرد خود را به عنوان منبع قدرت و اقتدار از دست داد. نیاز به معرفت تخصصی منجر به آموزش رسمی تر شد و آموزش به عنوان یک نهاد متمایز از خانواده ظهور یافت.

### جوامع پسا صنعتی و پسامدرن

اولین بار که رویکرد تکاملی اجتماعی - فرهنگی در دهه ۱۹۶۰ ظاهر شد، توجه نسبتاً اندکی به این امر نمود که چگونه اشباع جوامع صنعتی می‌تواند با ظهور اشکال هنوز پیشرفته تر تکنولوژیکی تغییر کند. اخیراً گرهارد لسنکی و همکارانش در ارزیابی سرعت شتابان تغییر تکنولوژیکی و اجتماعی دریافته‌اند که:

*تنها چیزهایی که ممکن است آهنگ ابداع تکنولوژیکی را در دهه‌های بعدی کند سازد جنگ هسته‌ای، فروپاشی اقتصادی جهانی، یا فاجعه‌ای در محیط زیست است. خوشبختانه هیچ یک از اینها در این چارچوب زمانی محتمل نیستند.*

لنسکی و دیگر جامعه‌شناسان به مطالعه تغییرات مهم در ساختار حرفه‌ای جوامع صنعتی را که از اقتصاد تولید کارخانه‌ای به اقتصادهای خدماتی انتقال یافته‌اند، پرداخته‌اند. دانشمندان علوم اجتماعی این کشورهای تکنولوژیکی



پیشرفته، را جوامع پسا صنعتی می‌خوانند. جامعه شناس دانیل بل *جامعه پسا صنعتی* را جامعه ای می‌داند که نظام اقتصادی آن عمدتاً به پردازش و کنترل اطلاعات می‌پردازد. خروجی اصلی یک جامعه پسا صنعتی، بیشتر خدمات است تا کالاهای کارخانه ای. تعداد بسیاری از مردم به مشاغلی در رابطه با تدریس، تولید یا انتشار اندیشه‌ها پرداخته‌اند.

بل با اخذ چشم اندازی کارکرد گرا، این انتقال از جامعه صنعتی به پسا صنعتی را توسعه ای مثبت می‌بیند. او کاهشی عمومی در گروه‌های طبقه کارگر سازمان یافته و افزایشی در گروه‌های علاقه‌مند به مسایل ملی همچون سلامتی، آموزش و پرورش و محیط زیست می‌پردازد، مشاهده می‌کند. بل منطقی کارکردگرا دارد؛ به خاطر آن که او جامعه پسا صنعتی را اساساً امری مبتنی بر رضایت طرفین ترسیم می‌کند. سازمان‌ها و گروه‌های ذی نفع درگیر فرآیندی باز و رقابتی در تصمیم‌گیری خواهند شد. سطح تضاد میان گروه‌های مختلف کاهش خواهد یافت و ثبات اجتماعی بسیار بیشتری وجود خواهد داشت.

نظریه پردازان مسایلی را در رابطه با تحلیل بل از جامعه پسا صنعتی مطرح نموده‌اند. مثلاً میشل هارینگتون در کتاب خود *- امریکایی دیگر -* نسبت به مسایل فقرا هشدار داده است. او اهمیتی را که بل به رشد طبقه کارگران یقه سفید داده است، به نقد می‌کشد.

هارینگتون می‌پذیرد که دانشمندان، مهندسان و اقتصاد دانان به تصمیمات مهم سیاسی و اقتصادی می‌پردازند، اما با این ادعای بل موافق نبود که آنها در تصمیم‌گیری مستقل از منافع ثروتمندان هستند. هارینگتون در پیروی از سنت مارکس ادعا می‌کند که تضاد میان طبقات اجتماعی در جامعه پسا صنعتی ادامه خواهد یافت.

اخیراً جامعه شناسان از بحث در مورد جوامع پسا صنعتی، به نوع آرمانی جامعه پسا مدرن گذر کرده‌اند. یک جامعه پسا مدرن، جامعه ای با تکنولوژی پیچیده است با توجه ویژه به کالاهای مصرفی و تصاویر رسانه ای. چنین جوامعی به مصرف کالاها و اطلاعات در مقیاس توده ای می‌پردازند. نظریه پردازان پست مدرن چشم اندازی جهانی را اخذ می‌کنند و به روش‌هایی که جنبه‌های فرهنگ، مرزهای ملی را در می‌نورد، توجه نشان می‌دهند. مثلاً ساکنان ایالات متحده ممکن است موسیقی ریگائی از جامائیکا را گوش کنند، ساشی و دیگر انواع غذاهای ژاپنی بخورند و کفش‌های سوئدی به پا کنند.

تاکید نظریه پردازان پست مدرن بر مشاهده و توصیف اشکال فرهنگی جدیدالظهور و الگوهای تعامل اجتماعی است. در جامعه شناسی، دیدگاه پست مدرن از یکپارچه کردن بینش‌های چشم اندازهای تئوریک مختلف - کارکرد گرایی، تضاد، تعامل گرایی و نظریه بر چسب - حمایت می‌کند در حالیکه نظریات فمینیستی و دیگر رویکردهای معاصر را نیز داخل در ترکیب می‌کند. جامعه شناسان فمینیست خوشبینانه ادعا می‌کنند که پست مدرنیسم یا بی‌علاقگی‌اش به سلسله مراتب‌ها و تمایزات، ارزش‌های سنتی سلطه مردانه را به نفع برابری جنسی رها خواهد کرد. با این حال برخی دیگر با بیان اینکه علیرغم تکنولوژی نوین، تجربه مسایل نا برابری که جوامع صنعتی را آزار می‌دهد، می‌تواند در جوامع پسا صنعتی و پسا مدرن مورد انتظار باشد، با نظر فمینیست‌ها مخالف هستند.

فردیناند تونیس و گرهارد لسنکی دو تصویر از ساختار اجتماعی جامعه ارائه نموده‌اند. با وجود تفاوت‌های آنها، هر دو رویکرد مفیدند و این کتاب مبتنی بر آنها به پیش خواهد رفت. رویکرد تکامل اجتماعی - فرهنگی بر چشم‌اندازی

تاریخی تاکید می‌ورزد، ولی انواع متفاوت ساختارهای اجتماعی را که درون یک جامعه واحد با یکدیگر همزیستی داشته باشند را نشان نمی‌دهد؛ در نتیجه مبتنی بر این رویکرد، نمی‌توان از یک جامعه واحد انتظار داشت که همراه با فرهنگی پسا مدرن، شامل شکار گران و گرد آوران غذا نیز باشد. در مقابل، جامعه شناسان به کرات نشان داده‌اند که در یک جامعه واحد می‌توان همزمان گماین‌شافت و گزل‌شافت داشت. مثلا اجتماع روستایی نیوهمشیر در کمتر از صد مایلی بوستون به منطقه مادر شهری با تکنولوژی عصر اطلاعات مدرن، متصل است.

کار تونیس و لنسکی به ما یادآور می‌شود که یک توجه عمده جامعه‌شناسی به شناسایی تغییرات ساختار اجتماعی و پیامدهای آن برای رفتار انسانی معطوف شده است. در سطح کلان، ما می‌بینیم که جامعه به اشکال پیشرفته تری از تکنولوژی انتقال یافته است. ساختار اجتماعی بطور متزایدی پیچیده شده و نهادهای اجتماعی جدیدی ظهور یافته‌اند که برخی کارکردهایی را که قبلا توسط خانواده انجام می‌شد، در بر می‌گیرند. در سطح خرد، این تغییرات سرشت تعاملات اجتماعی میان مردم را تحت تاثیر قرار داده است. هر فرد نقش‌های اجتماعی متعددی را دارا است و مردم بیشتر به شبکه‌های اجتماعی اتکا می‌کنند تا پیوندهای خویشاوندی. همان طور که ساختار اجتماعی پیچیده تر می‌گردد، روابط مردم نیز غیر شخصی، موقتی و چند پاره می‌شود.

در بخش سیاست اجتماعی، تاثیر بحران ایدز، ساختار اجتماعی و تعامل اجتماعی در ایالات متحده و دیگر ملل

را بررسی می‌کنیم.

## سیاست اجتماعی و ساختار

## اجتماعی

## بهران ایدز

## طرح مساله

آلبر کامو در رمان خود طاعون (۱۳۸۴، ۱۹۴۸) نوشت: «در تاریخ به تعداد جنگ های طاعون وجود داشته است، با این حال همیشه طاعون ها و جنگ ها بطور برابر مردم را شگفت زده می کنند» با.....؟!..... ملاحظه به عنوان طاعون متمایز دوران نوین، ایدز مسلماً نهادهای اجتماعی عمده ای را- مخصوصاً دولت نظام مراقبت درمانی اقتصاد هنگامی که ابتدائاً در دهه ۱۹۷۰ مورد توجه پزشکان حرفه ای قرار گرفت به شگفتی واداشت این بیماری از آن زمان در سراسر جهان منتشر شده است در حالی که درمان های جدید امیدوار کننده ای برای معالجه مردم وجود دارد ولی در حال حاضر با ابزارهای پزشکی هیچ شیوه ای برای نابودی ایدز یافت نشده است. با این حال، حفظ مردم به وسیله کاهش انتقال این ویروس کشنده، امری حیاتی است ولی این کار چگونه بایستی انجام شود؟ و مسئولیت این کار بر عهده کیست؟ نهادهای اجتماعی در این میان چه نقشی را بر عهده دارند؟

## وضع موجود

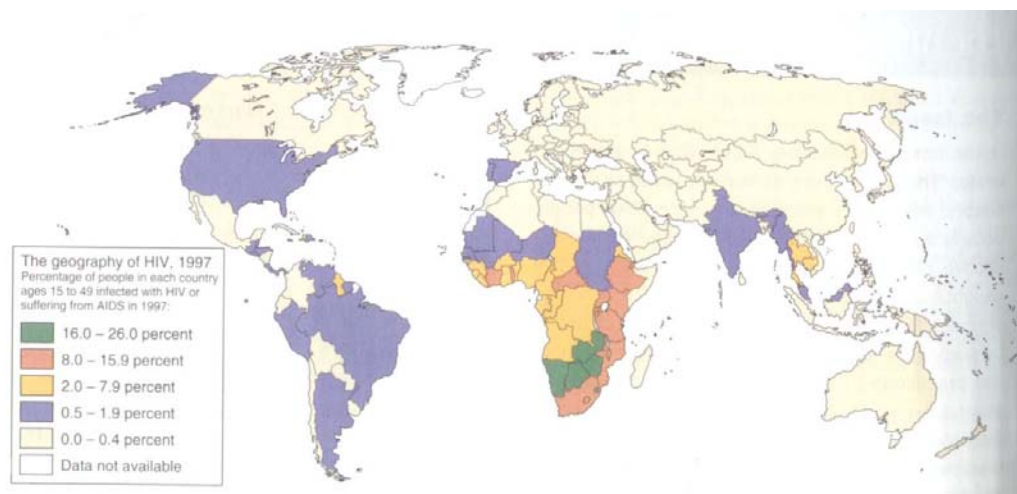
ایدز: ...؟!... عبارت سندروم اکتسابی کاهش ایمنی است ایدز علاوه براین که بیماری متمایز است در واقع یک پیش زمینه بیماری است که بوسیله یک ویروس، ویروس فقدان ایمنی انسان (HIV) ایجاد می شود. این ویروس به تدریج سیستم ایمنی بدن را نابود کرده حامل خود را در برابر عفونت هایی نظیر سینه پهلو را افراد دارای سیستم ایمنی سالم عموماً می توانند مقاومت کنند آسیب پذیر می سازد انتقال این ویروس از شخصی به دیگری ظاهراً نیاز به تماس جنسی یا انتقال خون یا مالیات جسمانی (چه از طریق سوزن ها یا سرنگ های تزریقی آلوده، تزریق خون آلوده، یا انتقال از مادر آلوده به کودکش پیش از یا هنگام تولد باشد). پزشکان سلامتی توجه خاصی به شیوه های انتقال HIV دارند به خاطر آنکه هیچ درمان یا واکسنی در حال حاضر برای ایدز وجود ندارد.

اولین موارد ایدز در ایالات متحده در سال ۱۹۸۱ گزارش شده است. در حالیکه تعداد موارد جدید و تلفات اخیراً شواهدی از کاهش را نشان داده است در اواسط سال ۲۰۰۰ بین ۸۰۰/۰۰۰ تا ۹۰۰/۰۰۰ نفر وجود داشته اند که با ایدز یا HIV می زیستند، در حالیکه هر ساله ۱۷/۰۰۰ نفر می میرند زمان نسبتی رو به رشد از این موارد در حال حاضر حدود ۷۷ درصد گزارش های رسیده را- تشکیل می دهند اقلیت های قومی و نژادی ۶۵ درصد مواد اخیراً را گزارش نموده اند. در سراسر جهان ایدز با حدود ۳۴/۲ میلیون فرد آلوده و ۲/۸ میلیون مرگ و میر سالانه، رو به افزایش است (شکل ۵۲ را ببینید) ایدز به طور یکسان پخش نشده است، و مناطقی که کمترین تجهیزات برای مقابله با آن را دارند- کشورهای توسعه آفریقا و جنوب آسیا - با بیشترین چالش به آن مواجهه اند.

## بینش های جامعه شناسی

بحران شدیدی همچون همه گیری ایدز احتمال دارد که تغییر و تبدلات شخصی در ساختار اجتماعی یک جامعه ایجاد کند. از دیدگاهی کارکرد گرا چنانچه نهادهای اجتماعی مستقر نتوانند نیاز مهمی را برآورده سازند، شبکه های اجتماعی جدید احتمال ظهور می یابند تا آن کار کرد را انجام دهند، در مورد ایدز، گروههای خود یاری- مخصوصا در میان اجتماعی همجنس گرایان شهرهای بزرگ- سازماندهی شدند تا از بیماران مراقبت کنند، تعلیم سلامتی دهند و برای سیاست های عمومی مسئولانه تر به چانه زنی بپردازند. بحران سلامت مردان همجنس گرا (QMHG)، بزرگترین سازمان خصوصی نیویورک که به تامین خدمات ایدز می پردازد، ۱۷۹ کارمند مزد بگیر و بیش از ۶/۶۰۰ داوطلب دارد که نوعا در یک «نظام همکار گزاری» با مبتلایان به ایدز کار می کند. هر چند ابتدا مشتریان QMHG تقریبا منحصرآ مردان هم جنس گرای سفید پوست بودند، امروزه ۲۰ درصد این مشتریان زن، ۳۲ درصد دیگر جنس گرا و ۶۶ درصد غیر سفید پوست یا اسپانولی هستند. GutC یک خط تلفن اضطراری را برقرار کرده است، وکلایی برای پا فشاری بر مراقبت بهتر از بیماران می فرستند، و کلینیک های قانونی و مالی و نیز درمانی را به راه می اندازد و گروههایی را برای افرادی که ایدز دارند دوستداران شان حمایت می کند.

بر چسب شخص ایدز دار یا HIV مثبت اغلب به عنوان یک پایگاه اصلی عمل می نماید در واقع افرادی که ایدز دارند و یا با ویروس آلوده شده اند یا یک داغ دوگانه قدرتمند مواجه می شوند. آنها نه تنها به بیماری مهلک و واگیر دار مرتبط می شوند. بلکه آنها بیماری دارند که به طور نامتناسبی گروهها مبتلا داغ خورده را نظیر مردان هم جنس باز و استفاده کنندگان مواد مخدر تزریقی را می آزارد این ارتباط با گروههای داغ خورده شناسایی شدت همه گیری ایدز را به تاخیر انداخت با رسانه ها تا وقتی که به نظر می رسید این بیماری میان اجتماع همجنس گرایان منتشر



می شود توجه اندکی بدان نشان دادند با نگاه از یک چشم انداز تضاد، سیاست گذاران در عکس العمل به بحران ایدز کند عمل کردند به خاطر آن که کسانی که در گروههای با خطر بالا بودند- مردان هم جنس گرا و استفاده کنندگان مواد مخدر تزریقی نسبتا افراد ضعیف (نا برخوردار از قدرت) بودند.

با این حال مطالعات در ایالات متحده نشان می دهد که افراد دارای ویروس و همه ایدزی که مراقبت های

درمانی مناسب دریافت می‌کند بیش از گذشته عمر می‌کنند این امر ممکن است فشار مضاعفی بر سیاست‌گذاران وارد کند درباره موضوعات بر انگیزخته شده توسط گسترش ایدز بحث و بررسی کنند.

در سطح خرد تعامل اجتماعی، مشاهده گران به طور گسترده ای پیش بینی می‌کنند که ایدز به رفتار جنسی محافظه کارانه تری هم میان هم جنس گرایان و هم دگر جنس گرایان منجر می‌گردد بطوریکه مردم در مورد ارتباط با شریکان [جنسی] جدید محتاط تر خواهند شد. با این حال به نظر می‌رسد که بسیار افراد فعال از نظر جنسی در ایالات متحده توجهی احتیاطی های در مورد ارتباط جنسی ملایم نکرده‌اند. داده های [منتج] از مطالعات انجام گرفته در دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که رضایت رو به رشدی درباره ایدز وجود دارد، حتی میان آنهایی که بیشترین آسیب پذیری را دارند.

دیگر توجه تعامل گرا تاثیر چشمگیری است که ارائه مراقبت های درمانی مناسب بر زندگی روزانه فرد دارد. ده ها هزار از بیماران مبتلا به ایدز مجبور به برنامه ریزی مجدد درباره زندگی خود پیرامون رژیم های درمانی خود می‌گردند حتی بیماران ناقد علایم مرضی HIV دریافته‌اند که تلاش فشرده ای برای مبارزه با بیماری نیاز است: دریافت ۹۵ دز دارو از ۱۶ نسخه متفاوت در این ۲۴ ساعت بینهایت سنگین است. لحظه به تاثیر که چنین رژیمی می‌توان بر زندگی شما بگذارد فکر کنید، از غذا خوردن و خوابیدن گرفته، کار، مطالعه، مراقبت از کودک و تفریح (شکل ۳-۵ را ببینید).

### سیاست گذاری های اولیه (ابتکارات راهبردی)

به خاطر عدم وجود یک درمان پزشکی یا واکسن سیاستگذاران اجتماعی بر نیاز به اطلاعات بیشتر در مورد این که چگونه ایدز محدود می‌شود یا انتشار می‌یابد تاکید می‌ورزند در یک مرجع پیش از انجمن جامعه‌شناسی امریکا، جامعه شناس کانادایی باری آدام (۱۹۹۲) مدعی شد که جامعه شناسان می‌توانند در تحقیقات مرتبط با ایدز سهم مهمی داشته باشند. او برای چنین تحقیقات جامعه‌شناختی چهار جهت را عنوان نمود.

۱- مطبوعات در مورد ایدز چگونه تولید و منتشر می‌شوند آیا توزیع اطلاعات در مورد این که چگونه در ارتباط جنسی مطمئن تری داشته باشیم محدود است و یا این که حتی سانسور می‌شود؟  
 ۲- چگونه یک فولکور ایدز- اطلاعات نادرست در مورد درمان ها و داروها ظهور می‌یابند و در یک اجتماع مجتمع می‌شوند؟ چرا اجتماعات و افراد شخصی در مقابل اطلاعات علمی راجع به خطرات ایدز مقاومت می‌کنند یا آنها را نادیده می‌گیرند؟

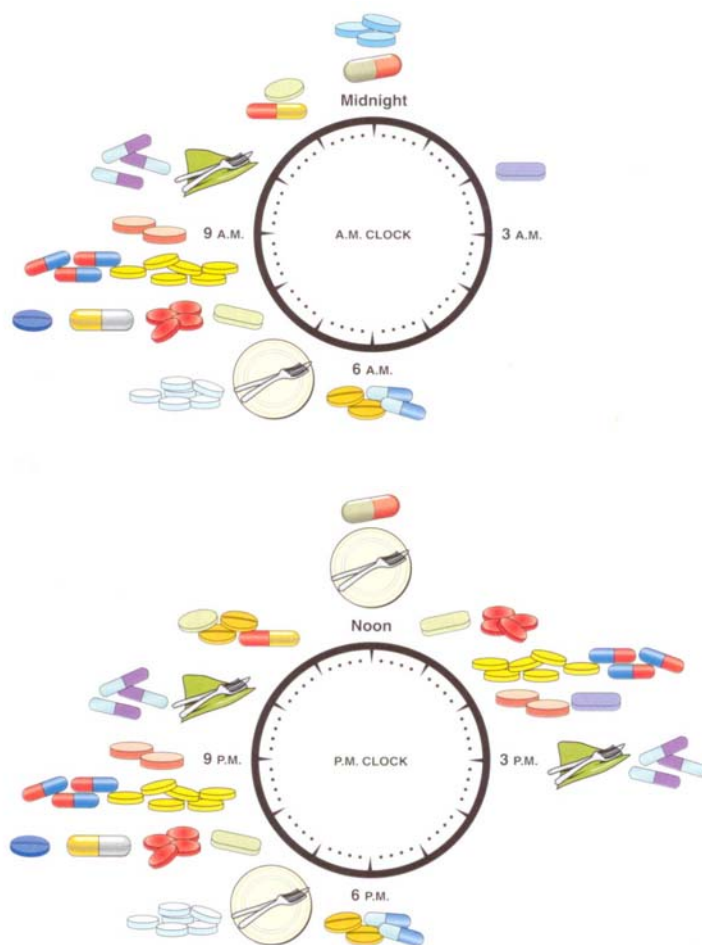
۳- خدمات دارویی و اجتماعی چگونه در دسترس افراد مبتلا به ایدز قرار می‌گیرد؟ چرا این خدمات اغلب از فقیرترین بیماران باز داشته می‌شود؟

۴- چگونه هموفوبیا ( ترس و پیش داوری علیه هم جنس گرایی)، ترس های مرتبط با ایدز رابطه دارد؟ به چه شیوه هایی هموفوبیا بادیگر اشکال سوگیری ها همبستگی دارد؟

پرش های آرام بر تاثیر بحران ایدز بر تعامل اجتماعی و ساختار اجتماعی تاکید می‌ورزد. هدایت این پرسش ها به سیاستگذاران این امکان را می‌دهند تا این چنین ابتکاراتی نظیر برنامه های آموزش جنسی در مدارس، برنامه

های مبادله سرنگ و سیاستگذارای های معطوف به آزمایش ایدز را بهتر ارزیابی کنند. ایدز تمام جوامع را متاثر ساخته است اما همه کشورها به یک شیوه عکس العمل نشان نداده‌اند. در برخی کشورها عقاید فرهنگی مردم را عملاً از پرداختن به همه گیری ایدز باز داشته است. احتمال کمتری دارد که آنها بررسی های پیشگیرانه لازم را که شامل بحث های بازتر در مورد امور جنسی، هم جنس گرایی و استفاده از مواد مخدر است، انجام دهند پیشگیری علایمی از کارایی در میان گروههای مورد نظر هدف نظیر مصرف کنندگان مواد مخدر، زنان باردار و مردان و زنان هم جنس باز نشان داده است، اما این ابتکارات میان کشورهای در حال توسعه اندک و بعید است درمان تجویز شده برای یک زن باردار جهت کاهش انتقال ایدز از مادر به نوزاد حدود ۱۰۰۰ دلار هزینه در بردارد که چندین برابر در آمد متوسط سالانه در بسیاری از نقاط جهان است که در آنها خطر ایدز در بالاترین میزان خود قرار دارد. به عنوان مثال آفریقا ۹۰ درصد مرگ ومیرهای ایدز جهان را گزارش می کند حتی از این گران تر درمان دارویی بیماران بزرگسال مبتلا به HIV است که در سال ۷۱۰۰۰ دلار هزینه بر می دارد.

مقالاتی که کشورهای ثروتمند و فقیر را تقسیم بندی می کند نیز خود را در زمره کشورهای صنعتی بیان



می کنند علیرغم تلاش هایی به منظور توسعه شمول درمانی (دارویی) دولت فدرال ایالات متحده در سال ۱۹۹۷ اعلام داشت نمی تواند حمایت درمانی فقیران را به گونه ای توسعه دهد که افراد کم در آمدی که آلوده به ویروس HIV شده اما ایدز در آنها کاملاً توسعه نیافته است در برگیرد در حال حاضر در مان و معالجه دارویی برای HIV حدود ۱۰/۰۰۰ دلار در سال برای هر فرد هزینه بر می دارد؛ با افزودن دیگر هزینه های درمانی (سواى مراقبت در منزل) این مبلغ در سال به ۲۰۰/۰۰۰ دلار می رسد. منتقدین اعلام می دارند برای داشتن خطی مشیی که افراد را

تنها هنگامی که توسط ایدز کاملاً از کار افتاده شدند پوشش می‌دهد. امری ضد تولیدی از جهت نگهداشتن افراد در نیروی کار است. با این حال، در بسیاری از نقاط جهان توسعه یافته، سیاست گذاران به موازات رشد نسبت و نیروی کار نسل بعدی که آلوده به ایدز شده‌اند.